

شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۴۰۰ • ۱۴۴۳ شعبان ۱ • 5 Mar 2022



نگاهی به رسانه‌ها

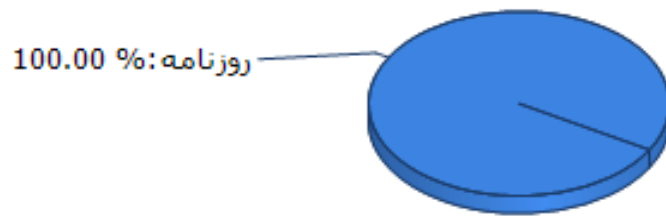
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

تعداد کل محتوا: ۲۱



روزنامه

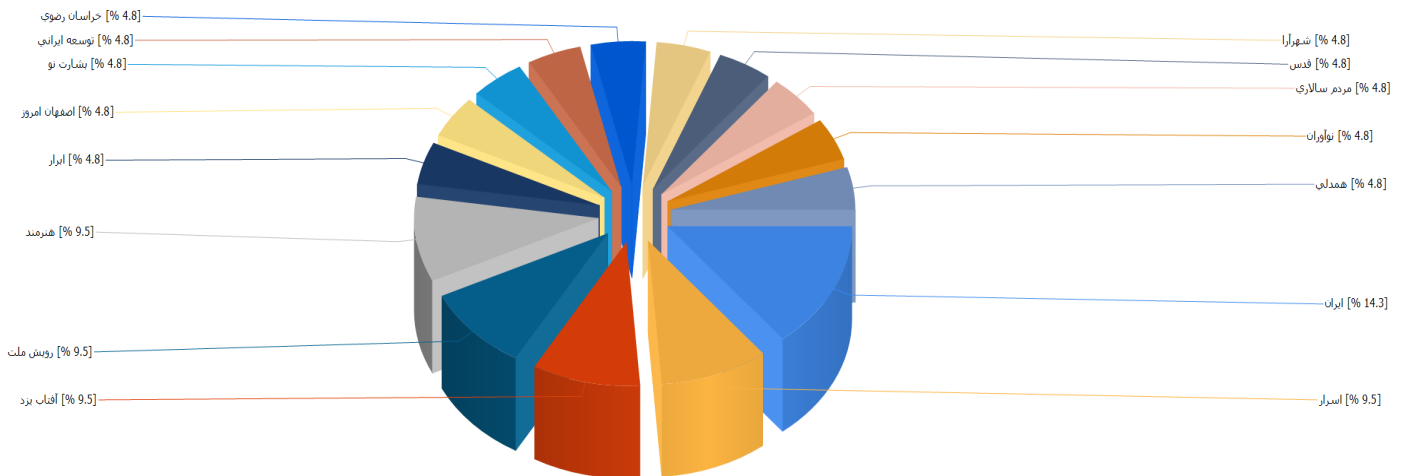
۲۱



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تاثیر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۴/۳	۳	ایران	۱
۹/۵	۲	اسرار	۲
۹/۵	۲	آفتاب یزد	۳
۹/۵	۲	رویش ملت	۴
۹/۵	۲	هنرمند	۵
۴/۸	۱	ابرار	۶
۴/۸	۱	اصفهان امروز	۷
۴/۸	۱	بشارت نو	۸
۴/۸	۱	توسعه ایرانی	۹
۴/۸	۱	خراسان رضوی	۱۰
۴/۸	۱	شهرآرا	۱۱
۴/۸	۱	قدس	۱۲
۴/۸	۱	مردم سالاری	۱۳
۴/۸	۱	نوآوران	۱۴
۴/۸	۱	همدلی	۱۵
۱۰۰	۲۱	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	آغاز تمرین «میس جولی»	آفتاب یزد
۸	نمایشنامه خوانی پله اول یک اجرای خوب است	آفتاب یزد
۹	نمی توانیم چشمان مان را بر این فجایع ببندیم	آبرار
۱۰	از سرگیری تولید نمایش «شنل» بعد از وقفه ای ۲ ساله	اسرار
۱۱	درخشش نمایشنامه نویس مازندرانی در «چهار فصل تئاتر ایران»	اسرار
۱۲	سه جایزه جشنواره سرو، نصیب «کشتن کاپوس ها» از اصفهان شد	اصفهان امروز
۱۳	پله دارم درباره اجرا حرف می زنم	ایران
۱۴	تلاش برای خارج شدن از دورهای باطل	ایران
۱۵	نامیدی بزرگ در امیدی کوچک	ایران
۱۶	تئاتر برای مدرن شدن و ترقی باید به ریشه هایش اتکا کند	بشارت نو
۱۷	نگاهی به نمایش «هملت» شایان افشردی / کلاژهای پرترفدار	توسعه ایرانی
۱۸	انتصاب اعضای جدید شورای نظارت بر اجرای تئاتر مشهد	خراسان رضوی
۱۹	تولید نمایش «شنل» بعد از وقفه ای ۲ ساله از سر گرفته می شود	رویش ملت
۲۰	نمی توانیم چشمان مان را بر این فجایع ببندیم	رویش ملت
۲۱	پردیس تئاتر شر در مسیر واگذاری به بخش خصوصی	شهرآرا
۲۲	چشم تئاتر خراسان دیده فروبست	قدس
۲۳	دعوت به چالشی از نوع خیال و لبخند	مردم سالاری
۲۴	نمایش «بچه»؛ روایتی از تبعات جنگ، تجاوز و مهاجرت های غیرقانونی	نوآوران
۲۵	نمی توانیم چشمان مان را بر این فجایع ببندیم	همدلی
۲۶	تغییر زمان برگزاری جشنواره تئاتر ملی فتح خرمشهر	هنرمند
۲۷	هنرمند نمی تواند بی تفاوت از کنار مسائل اجتماعی خواه ملی و خواه جهانی، بگذرد	هنرمند



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



آغاز تمرین «میس جولی»

تمرین تله تئاتر «میس جولی» به کارگردانی محمد قنبری آغاز شد. ایوب آقاخانی، سمیرا حسن پور و مریم وطن پور بازیگران این تله تئاتر هستند. «میس جولی» سومین همکاری مشترک قنبری و آقاخانی پس از تله تئاترهای «یک آشنایی ساده» و «شام یکشنبه» است. محمد قنبری پیش از این تله تئاترهای «یک آشنایی ساده» و «سهم زن» را کارگردانی کرده است که در سامانه تیوال در حال پخش است. این تله تئاتر، درباره دختر اشراف زاده‌ای به نام میس جولی است که عاشق خدمتکارش می‌شود و همین وصلت ناجور دستمایه اتفاقات دیگر است. به گزارش ایلنا، «میس جولی» به نویسندگی آگوست استریندبرگ و با بازنویسی و دراماتورژی ایوب آقاخانی پایان سال جاری جلوی دوربین می‌رود.

غزال علی حیدری:

نمایشنامه خوانی پله اول یک اجرای خوب است

در شرایط همه گیری کرونا، تمام دشواری های اجرای نمایش دوجندان خواهد شد. بنابراین تنها نقطه نظر من همکاری دوجانبه برگزار کننده جشنواره و سایر شهرستان ها است تا گروه های هنری بتوانند به راحتی از پلاتوها و یا سالن های آمفی تئاتر استفاده کنند.

۹ به نظر شما در اجرای یک نمایشنامه خوانی از چه امکاناتی می توان برای اجرای بهتر و تاثیر گذارتر بهره برد؟

اگر نمایشنامه خوانی یک پله بالاتر و به سمت اجرا خوانی رود تا کارگردان ایده های ناب خود را حتی بصورت نمادگراییانه بتواند تا حدی در این شیوه، پیاده کند شاید تاثیر آن بر مخاطب دوجندان شود.

۹ چه حمایت هایی در شهر و استان از شما صورت پذیرفته است؟

به دلیل همه گیری کرونا بیشتر تمرینات گروه ما بصورت مجازی بود. متأسفانه در زمان تمرینات، دو نفر از اعضای گروه هم عزیزانشان را از دست دادند اما باز هم در تلاش بودیم که این کار به جشنواره برسد بنابراین در تلاطم روزهای سخت، با صبر و شکیبایی تلاش کردیم تا کار به نتیجه برسد.

۹ ترکیب گروه اجرایی شما به چه صورت است؟ بیشتر از حضور جوانان استفاده کرده اید یا پیشکسوتان؟

تیم اجرایی ما متشکل است از افراد تحصیل کرده در رشته های کارگردانی سینما و نمایش و نیز افراد جوان مستعد که علاقمند به اجراهای هنری و شرکت در کار جمعی برای القای هدفشان هستند. گروه اجرایی سازی خیال تاکنون چندین اجرای تئاتر کودک را به روی صحنه برده است و متشکل از افراد با گروه سنی مختلف است. کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در گروه ما حضور دارند که البته ما با گروه بزرگسال در این جشنواره شرکت کردیم. نقش خوانان زهرا یزدانی، احسان ایزدی، پروا خسروی، سحر مروریدزاده و محبوبه قربانی هستند. امیدوارم در آینده راهی برای شرکت کردن کودکان و نوجوانان در اینگونه جشنواره ها باز شود تا بیشتر با سیره و روش زندگی بزرگان آشنا شوند و تلاش شود تا راه ارتباطی باتیان جشنواره با دیگر شهرها گسترده تر شود تا شرکت کنندگان در جشنواره با فراغ بال بیشتری به کار خود بپردازند.



۹ اگر نمایشنامه خوانی یک پله بالاتر و به سمت اجرا خوانی رود تا کارگردان ایده های ناب خود را حتی بصورت نمادگراییانه بتواند تا حدی در این شیوه، پیاده کند. سنساید تاثیر آن بر مخاطب دوجندان شود

است. به اصطلاح نوعی پیش درآمد اجرایی محسوب می شود که در درون خود تحلیل اثر، شخصیت پردازی، گره افکنی و گره گشایی را دارد. حالا باید با یک چیدمان ساده به فضای اثر وارد شویم و چه چیزی بهتر از این. بدون حاشیه و ساده، دور از آرایش، فضای دراماتیک اثر را با زبانی دیگر بیان کنیم.

۹ در این جشنواره انتخاب نمایشنامه در محدوده هشت نمایشنامه ی معرفی شده از سوی دبیرخانه میسر بود. آیا این شیوه را می پسندید؟

به نظر من شیوه جالبی بود و چارچوب متون نهایی در جشنواره برای ما مشخص شده بود. ضمن اینکه متون نوشته شده از نویسندگان برجسته کشورمان بودند.

۹ به نظر شما برای برگزاری با کیفیت جشنواره های نمایشنامه خوانی توجه به چه نکاتی توسط برگزار کنندگان و گروه های نمایشی ضروری است؟

آفتاب یزد - گروه فرهنگی: تئاتر شهرستانها عموماً در اکثر اوقات مورد غفلت واقع شده است این در حالیست که شهرستانها در تمام زمینه های هنری نمایشی از پتانسیل های بسیار خوبی برخوردار بوده و هنرمندان آن می توانند در جشنواره های مختلف تئاتری فراتر از حد و اندازه های خودشان بدرخشند. ای بسا که بسیاری از هنرمندان که امروز در تئاتر پایتخت اسم و رسمی برای خود دست و پا کرده اند از دل همین شهرستانهای دور از پایتخت رشد و نمو پیدا کرده اند. غزال علی حیدری، متولد ۱۳۶۴، کارشناسی ارشد پژوهش هنر و کارشناس کارگردانی تئاتر است. از سال ۸۲ فعالیت هنری را در زمینه کارگردانی تئاتر، نمایشنامه نویسی، نمایش رادیویی، بازیگری شروع کرده است. او مدرس تئاتر کودکان و نمایش خلاق است و چندین کار اجرایی با کودکان برای کودکان به روی صحنه برده است. علی حیدری تاکنون دو کتاب با عنوان های «بانویی در گوی شیشه ای» و «هرگز به صدای کمک یک زن، فوراً پاسخ نده»، نوشته که توسط نشر ارشدان چاپ شده است. و سومین کتاب نیز با عنوان «از جنگل تا آشپزخانه» که دو نمایشنامه برای کودکان و نوجوان است، به زودی منتشر خواهد شد. غزال علی حیدری با نمایشنامه «صمت دقیقه مانده به وقت بارانی» به نویسندگی محمدرضا آریان فر از اصفهان در نخستین جشنواره نمایشنامه خوانی رضوی شرکت کرده است. ایران تئاتر با او گفتگویی انجام داده است که در ادامه می خوانید:

۹ دلیل انتخاب این نمایشنامه توسط شما چه بود؟

فضای رئالیستی این نمایشنامه نوعی همذات پنداری عمیق بین خواننده و مخاطب ایجاد می کند. این نمایشنامه گویای افکار و عقاید انسان های مختلف در جامعه است. چند شخصیت گوناگون با افکار و عقاید مختلف و نامایماتی که زندگی برای آنان رقم زده است و حالا دچار یک چالش برای رهایی از زندگی فرسوده خود هستند. آیا افکار فرسوده در آدم های قصه، اجازه رهایی از بند اسارت را به آنان می دهد؟

۹ نظر شما در مورد برگزاری جشنواره های نمایشنامه خوانی چیست؟ این جشنواره ها چقدر می تواند به رشد و توسعه تئاتر در کشور کمک کند؟

اولین پله نمایشنامه خوانی و سپس اجرا خوانی و بعد از آن اجرای صحنه ای است. نمایشنامه خوانی مقدمه و پله اول یک اجرای خوب

گفتگوی با کارگردان نمایش «بچه»

نمی توانیم چشمان مان را بر این فجایع ببندیم

بچه است تا خود زن ها. با این نگاه دیگر فرقی نمی کند این زنان متعلق به چه کشوری باشند. آنچه برای ما مهم است، وضعیت بچه هاست؛ بچه های داعشی ها که در کمپها نگهداری می شوند یا بچه های افغانستان، کشوری که از دربارز دچار این آسیب بوده و سالهاست که نفس آرامی نکشیده است. از سوی دیگر زنان کرد ایزدی و خود عراق که این همه مورد تهاجم داعش قرار گرفت، این زنان قربانیان وحشتناکی هستند از تجاوز داعش. در مطالعات فراوانی که برای نگارش و اجرای نمایش داشتیم، متوجه شدیم در زندگی زنان کرد ایزدی آنچنان مسائل تلخ و دردناکی هست که برایمان مهم بود حتی یکی از این سه زن، کرد ایزدی باشد. بعد از انتخاب زنان، نغمه فینی، نویسنده کار، از مستندهایی که دیده و لمس کرده، برای نوشتن نمایشنامه الهام گرفت و بسیاری از دیالوگها مستند هستند. او در پاسخ به این پرسش که از ابتدا قرار بود این سه زن یک بازیگر داشته باشند، تاکید می کند: قطعاً البته می شد سه بازیگر انتخاب کنیم ولی در این زنان یک موضوع مشترک وجود دارد؛ اینکه جان خود را بر داشته اند و فرار می کنند. نمی خواستیم این مساله مهم تحت تاثیر لجه و لهجه بازیگر قرار بگیرد. بنابراین این آرایه های اضافه را حذف کردیم. لزومی نداشت سه بازیگر داشته باشیم چون این سه زن، انگار یک زن هستند. مادر، مادر است. همه زنانی که در وضعیت مهاجرت و جنگ و تجاوز دچار آسیب می شوند، حرفشان یکی است و دیگر چه تفاوتی دارد که در پرسه دراماتیک، سه بازیگر انتخاب کنیم یا یکی. ماهیان دربار این موضوع که انسان امروز از جنگ خسته است و گویی به دنبال از بین بردن مرزهاست، توضیح می دهد: همه جنگها به دلیل این خط کشی ها و مرزبندی هاست. قدرت، سبیتی به نام جنگ را به وجود می آورد و انسانها را به جان یکدیگر می اندازد و سیاستمدارانی که به خاطر یک متر زمین بیشتر، حاضرند آدمها کشته شوند.

سخت تر هم بود چون مونولوگ های طولانی داشتند. به هر حال کار سخت تتر، همین جذاب کردن موضوع، برای دیدن است و همه اعضای گروه می کوشند به جذابیت های دراماتیک، مینیمال بودن و سمبلیک بودنش اضافه کنیم اما نمایشنامه های مستند تا حدودی در دیالوگ این ویژگی را دارند که برگرفته از واقعیت است که اتفاقا مورد علاقه من است و درباره آن هیچ مقاومتی ندارم. او یادآوری می کند: وقتی از آسیب اجتماعی سخن می گوید، ناخودگاه به دنیای تراژدی قدم می گذارید و وقتی موضوع مستند است، بخشی از دیالوگها، مستند خواهند بود. منتها بستگی به قدرت قلم نویسنده دارد که چگونه این دیالوگها را کنار هم دراماتیزه کند. در همه اپیزودهای ما گفتگوها مانند نوعی مشاعر است. یعنی دیالوگها دارای وزن هستند و تک تک واژگان و ادای کلمات توسط بازیگر و آکسان گذاریها توسط او مهم است. این گروه برای اجرای نمایش خود سه زن مهاجر کرد ایزدی، افغانستانی و زنی از لیبی را انتخاب کرده اند. ماهیان درباره انتخاب این سه زن به عنوان سه قربانی مهاجرت می گوید: کشورهای زیادی مانند سوریه یا کشورهای آفریقایی با فجایع جنگ و مهاجرت رو به رو هستند ولی ما این سه زن را به عنوان سه نمونه از میان نمونه های بسیار، انتخاب کرده ایم که سرنوشته شان وحشتناک است. در کنار اینها یک کارکتر ایرانی داریم که مهاجر است و کارکتری که در نمایشنامه به او سرزمین امن می گویم. سرزمین امن یک نماد است. یعنی در کشور خودت احساس خطر نمی کنی و می خواهی بگریزی به کشوری دیگر که برایت امن باشد. کارکتر مرد ما هم در نهاد، مهاجر است و در پایان با دیدن وضعیت این سه زن و بچه، به یک درک متقابل می رسد. گویی برخوردار می باشی که این سه زن دارد، برایش همچون یک ترابی است و در نهایت، خودش هم درگیر می شود. او با تاکید بر اینکه در این نمایش مساله اصلی بچه است، توضیح می دهد: موضوع اصلی نمایش ما آن

خود سرآغاز یک بحران تازه است. این نمایش با بازی فاطمه معتمدآریا، مهرا نائل و شیوا فلاحی در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است و به انگیزه اجرای آن با افسانه ماهیان گفتگویی داریم. گفتگوی ایسا با این کارگردان پیش از شروع جنگ اکراین انجام شد و ماهیان در آن از مساله مهاجرت به عنوان یکی از مسائل مهم جهان امروز و از دل بستگی اش به تئاتر اجتماعی می گوید و تاکید می کند هنرمند نمی تواند بی تفاوت از کنار مسائل اجتماعی خواه ملی و خواه جهانی، بگذرد. ماهیان در آغاز درباره انتخاب موضوع مهاجرت که درد مشترک جهان معاصر است، می گوید: در تمام سالهایی که تئاتر کار کرده ام، همواره موضوعات اجتماعی دغدغه ام بوده است؛ موضوعاتی که ریشه مستند دارند و تخیل و قصه پردازی در آنها کمتر است. در سالیان اخیر بعضی از این موضوعها به مساله اصلی انسانها در هر جغرافیایی تبدیل شده و مساله زیستگاه، یکی از همین موضوعات مشترک است. بویژه در دو سه سال اخیر بارها دیده ایم بسیاری از هموطنان مان و مردمان دیگر کشورها در راه مرزها، رفتن به یونان، دریای مدیترانه و ... گرفتار چه مصایبی شده اند. این مسائل را به وفور در خبرها می بینیم و شاید به سرعت از کنارش بگذریم ولی واقعیت این است که اینها فجایع انسانی است و ترجیح دادم بر این موضوع تمرکز کنم. این کارگردان با ارایه توضیحاتی درباره شکل گیری نمایشنامه ادامه می دهد: حدود ۴ سال پیش همراه با نغمه فینی و منوچهر شجاع درباره موضوع نمایشنامه به نتیجه رسیدیم، جلسات متعددی برگزار و درباره آن گفتگو کردیم تا ایده اجرایی مان پخته شد. موضوع برای همه ما بسیار تکان دهنده و جذاب بود. در سفرهایی که برای اجرای نمایش های قبلی ام داشتیم، می دیدم مساله مهاجرت برای مردم اروپا چقدر مهم است چون چندین ملیت از خاورمیانه، آفریقا و ... در کشورهای آنها زندگی می کنند و آنان دچار

پارادوکس های زیادی شده اند. این موضوع هم انگیزه ما را برای اجرای این نمایش بیشتر کرد. جالب است که وقتی طرح نمایش را با جشنواره های گوناگونی که با آنها همکاری داریم، فرستادیم، بسیار استقبال کردند و قرار بود در این اجرا مشارکت داشته باشند که به دلیل کرونا، عملی نشد. ماهیان که در این سالها به عنوان کارگردان و بازیگر، تجربه حضور در کشورهای گوناگونی را داشته است، ادامه می دهد: در این سفرها با دغدغه ها و نیازهای مردم کشورهای دیگر را آشنا شده بودم. در حال حاضر جنگ و مهاجرت مهم ترین مساله حاد انسانی است، چه موضوعی مهم تر از مسائل اخیر افغانستان و بچه هایی که در این میان آسیب دیده اند؟! هرچند همه مردم این واقعیت را در اخبار می بینند بویژه در دنیای امروز که روزانه در آماج ده ها خبر بد قرار می گیریم ولی وقتی همین فجایع در قالب یک اثر هنری ارایه شود، طبیعتاً موثرتر خواهد بود. متأسفانه این مساله هیچگاه کهنه نمی شود. تا بشر و جنگ هست، مهاجرت هم هست و کودکانی که قربانی می شوند و حالا با پدیده داعش این اتفاق همچنان وجود دارد. به همین دلیل کل گروه اجرایی متفق القول بودند که این موضوع جهانشمول است. موضوع بعدی صحبت ما درباره انتخاب جنگ به عنوان مساله اصلی این نمایش است. انتخاب این موضوع در عین حال کار خطرناکی است زیرا مخاطب به وفور در خبرها درباره آن دیده و شنیده است. بنابراین چگونه می توان آن را برایش جذاب کرد؟ ماهیان در پاسخ به این پرسش توضیح می دهد: در اجرای هر اثری، این چالش بزرگ وجود دارد چون هر چیزی که به عنوان موضوع نمایش انتخاب می شود، ممکن است مخاطب درباره آن دیده و شنیده باشد. اما نکته مهم، نمایشی کردن و دراماتیزه کردن آن موضوع است. این چالش بسیار بزرگی است که همیشه در کارهای مان با آن مواجهیم بخصوص نمایش های مستند مثل «هم هوایی»، «از زیر زمین تا پشت بام» و «بچه»، دو کار قبلی که



از سرگیری تولید نمایش «شنل» بعد از وقفه ای ۲ ساله

نمایش «شنل» نوشته احسان زیورعالم و کارگردانی میلاد رخس بهار که قرار بود در سال ۹۸ روی صحنه برود، برای اجرا در بهار ۱۴۰۱ آماده می شود. به گزارش اسرار به نقل از روابط عمومی نمایش، میلاد رخس بهار کارگردان نمایش «شنل» درباره اجرای این اثر نمایشی گفت: نمایشنامه «آیا آقای پوشکین از ما راضی خواهد بود؟» نوشته احسان زیورعالم را در سال ۹۸ برای اجرای عمومی آماده کرده بودیم که با تعطیلی سالن های نمایش و با شرایطی که همه دنیا را درگیر کرد، کار را متوقف کردیم و از اوایل زمستان امسال و با بهتر شدن شرایط، این پروژه نیمه کاره را دوباره کلید زدیم.

وی درباره این نمایشنامه توضیح داد: زیورعالم این نمایشنامه را از داستان «شنل» نوشته گوگول اقتباس کرده که اثری ضد جنگ است. با مشورت نویسنده عنوان «شنل» را برای اجرا انتخاب کرده ایم.

این کارگردان تئاتر و سینما درباره تاثیر وقفه ۲ ساله بر روند تولید این نمایش عنوان کرد: طبیعتاً ضربه روحی که به گروه این نمایش خورد مانند همه گروه هایی که در میانه کار، با تعطیلی روبرو شده اند، وجود دارد. بخش عمده گروه دستخوش تغییر شد. برآورد هزینه های پیشین چندین برابر شده اند. مسئله بیماری و چالش هایی که مدام روان گروه های تئاتر را درگیر می کند بیش از پیش آزارمان می دهد اما خوشبختانه راه های حفظ سلامت خودمان را آموخته ایم و به نظرم سرسخت تر از قبل شده ایم. همین نکته برای فعالیت بیشتر امیدوارمان می کند.

رخس بهار نمایش شنل را کاری از گروه تئاتر «ما» معرفی کرد و ادامه داد: چند سال قبل که این نمایشنامه را برای اجرا انتخاب کردیم تعدادی از بازیگران گروه تئاتر «صلح» در نمایش حضور داشتند که با توجه به شرایط فعلی نتوانستیم از این بازیگران استفاده کنیم اما این همکاری همچنان در بخش های کارگردانی و طراحی با گروه تئاتر «صلح» ادامه دارد.

درخشی نمایشنامه نویس مازندرانی در «چهار فصل تئاتر ایران»

برگزیدگان فصل هفتم پروژه «چهار فصل تئاتر ایران» از سوی دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری معرفی شدند. «سروش بهاری» نمایشنامه نویس جوان مازندرانی در جمع برگزیدگان فصل هفتم پروژه نمایشنامه‌نویسی «چهار فصل تئاتر ایران» قرار گرفت. طی جمع‌بندی آرای هیأت علمی فصل هفتم «چهار فصل تئاتر ایران» (به عنوان پروژه جامع آموزش نمایشنامه‌نویسی خارج از پایتخت) با موضوع «فضای مجازی در زندگی امروز» افراد برگزیده این رویداد مشخص شدند. گفتنی است در این میان «سروش بهاری» نویسنده جوان مازندرانی با دو اثر «خانه روبه‌رویی» و «شوخی می‌کنید آقای کارگردان» در جمع چهار نویسنده منتخب قرار دارد. همچنین مقرر شد افراد برگزیده روز دوشنبه، ۱۶ اسفند ۱۴۰۰، در محل حوزه هنری تهران در کارگاه‌های فصلی پروژه با حضور اعضای هیأت علمی این فصل، مهرداد رایانی مخصوص و امین رهبر، شرکت کنند تا پس از این جلسات حضوری و مشاوره، آخرین بازنویسی نمایشنامه خود را به دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به عنوان دبیرخانه این پروژه ارائه دهند. رأی نهایی روی آثار بازنویسی شده آن‌ها را در نوبت چاپ نشر سوره مهر قرار خواهد داد.

سه جایزه جشنواره سرو، نصیب «کشتن کابوس ها» از اصفهان شد

تولید کردند که بعد از آن به دلیل عدم پیگیری و پشتیبانی رها شد.

نریمانی زمان اوج تله تئاتر را اواسط دهه ۷۰ دانست و خاطرنشان کرد: در آن زمان بهترین نمایش های تلویزیونی از کارگردانان مطرح تولید و از شبکه ۴ پخش می شد و اخیراً شرایط کرونایی به تولید مجدد کار در این قالب کمک کرده است.

این کارگردان از تولید تله تئاتر «رومئو و جولیت» خبر داد و اضافه کرد: پس از مکیت و پر کلیس، این سومین نمایشنامه از شکسپیر است که آن را روی صحنه می برم که با شرایط کرونایی این اثر هم به تله تئاتری تبدیل شد که در آشپزخانه می گذرد و به زودی از آن رونمایی می شود.

او در ادامه گفت: پس از تولید این نمایش تلویزیونی، تئاتر بی خوابی را براساس نمایشنامه مکیت با بازیگران ارمنی تولید کردیم که خوشبختانه در فستیوال تخصصی آثار شکسپیر بسیار مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن گواهی اجرای بین المللی برای گروه هنری بیدار، ویژه آثار شکسپیر صادر شد.

اصفهان بارگذاری و با استقبال مخاطبان هزار و ۲۵۰ بازدید روبرو شد. نریمانی ادامه داد: تله تئاتر کشتن کابوس ها با حضور در جشنواره سرو در هفت بخش اثر برگزیده، نمایشنامه نویسی، کارگردانی هنری، کارگردانی تلویزیونی، طراحی صحنه، تصویربرداری و بازیگری زن نامزد شد که علی جعفری در بخش تصویربرداری، حبیب نریمانی در بخش کارگردانی هنری و محدثه رضایی در بخش بازیگری زن موفق به دریافت جایزه شدند.

این کارگردان با اشاره به استقبال از یک اثر دفاع مقدس در شبکه اجتماعی نوپای آپارات، گفت: استقبال خوب مخاطبان برای ما نکته قابل توجهی بود که ما را به تولید کارهای بیشتر در این زمینه واداشت و در همین راستا تله تئاتر «آهاتاک» با موضوع آژانسهای خرمشهر به سفارش شبکه اصفهان آماده شده است.

او با اشاره به این که تله تئاتر نسبت به تئاتر صحنه ای در اصفهان بسیار کمتر کار شده، گفت: در ابتدای دهه ۸۰ فرشاد احمدی دستگیری در حوزه تله تئاتر فعالیت داشته و چند اثر



مستقل بیدار، نمایشنامه تئاتر به نمایشنامه تلویزیونی تغییر پیدا کرد و پس از انجام اصلاحات مورد نیاز و تمرین با تهیه کنندگی و پشتیبانی آقای رسول هنرمند، مقابل دوربین رفت.

نریمانی با اشاره به بخش دو نوبت این اثر در شبکه استانی اصفهان و شبکه افق، اظهار کرد: این کار در صفحه آپارات سازمان فرهنگی، اجتماعی شهرداری

تله تئاتر «کشتن کابوس ها» با موضوع دفاع مقدس سه جایزه جشنواره سرو را دریافت کرد.

حبیب نریمانی، کارگردان این اثر به ایستادن گفت: تله تئاتر کشتن کابوس ها به علت شرایط کرونایی با لغو اجرای تئاتر صحنه ای آغاز شد.

او ادامه داد: باهدف زنده و پویا نگه داشتن گروه هنری

نگاهی به نمایش «ارور ۴۰۴» به کارگردانی عباس جمالی

بله دارم درباره اجرا حرف می زنم

امید طاهری

نمایشنامه نویس و منتقد تئاتر



آنها که برای ویرانگری، از درک و دریافت ناهنجاری وضعیت اکنون برخوردار بودند هم دچار قضاوت های عجولانه و بی رحمانه شدند. این خوشبختی بزرگی است برای هنر که در تاریخ چند صد ساله خود، همیشه متناسب با وضعیت های مختلف اجتماعی، انسانی، سیاسی و... توانسته خود را ویران کند تا ریافت های تازه پیدا شود و فرم های نو خودشان را نشان دهند. طبیعی است که در سیاست، ایدئولوژی و شیوه های زیستی، این ویرانگری و نو شدگی، دشوارتر رخ می دهد. پیرهنزینتر و حتی گاه همراه با انبوهی از کشته ها و جنازه ها رخ می دهد. در هنر اما قتلی اتفاق نمی افتد، جسمی بی جان نمی شود. بلکه مستقیم به آنچه درون سرها رسوب کرده شلیک می شود تا زندگی ببخشد. پذیرش این ویرانگری ها، شاید راهی باشد برای اینکه ویرانگری جسم ها و شلیک به بافت بدن ها اتفاق نیفتد.

اگر چه هنر همیشه در دوران ثبات، دچار شکوه و بزرگ های چشم فریب شده، اما اساسا هنر محصول ثبات نیست. در ثبات اگر چه شکوه مند شده، اما خیلی زود به سکون و رخوت هم رسیده. هنر همیشه در نقطه های آغاز و پایان یک جریان اجتماعی، سیاسی و... تحرک و سیالیت بیشتری داشته. بیشتر ویران شده و بیشتر ویران کرده و بیشتر ساخته.

در تماشای نمایش «ارور ۴۰۴»، پیش از هر چیز باید پرسید ما اکنون در چه زمانه ای زیست می کنیم؟ چه شرایطی داریم؟ جهان امروز چگونه جهانی است. ما کجای تاریخ

هستیم و چه وضعیتی داریم. اینها را باید پرسیم زیرا «ارور ۴۰۴» با همین پرسش ها شکل گرفته. شکلی از نظم فروپاشیده شده است در برابر نظم دروغین جهان امروز. نظم دروغینی که با یک حرکت آنی و جتگ پر مساله، حیات مردمان چندین شهر و کشور به خطر

می افتد. تانکی از روی خودروبی شخصی عبور می کند، کودکانی می میرند، دریم، در فلسطین، در لبنان، در اوکراین، در تلوان و... مرگ هایی می بینیم که اگر دادنیست های بعد جنگ جهانی، امروز را می دیدند این بار به جای کاسه تواله، محتوایش را به گالری می بردند.

ما به شک نیاز داریم. شک به چنین وضعیتی. به چنین برساخته هایی از عدالت و انسانیت و... شکی که شهامت ویرانگری داشته باشد. بنابراین عباس جمالی در دو نمایش اخیر خود، جای درستی ایستاده. «ارور ۴۰۴»، او، باز نمایی وضعیت اکنون نیست، بلکه خود وضعیت است. در نمایش او نوعی رنج تکرار شونده وجود دارد که از طریق بدن ها به مخاطب منتقل می شود. این رنج، ما را به تئاتر شقاوت آرتور رجاع می دهد. جایی که او می خواهد از واقعیت دروغینی که رسوب کرده در ذهن مخاطب پرده بردارد. فضای بدست امنیتی نمایش و اجرایی که به نظر می رسد در سیطره نگاه ها و دوربین های فضولی که همه جا هستند شکل خود را مدام از دست می دهد. نوع دیگری از رنج موجود در اثر نمایان می شود.

عباس جمالی همه عناصر اجرا را از کار می اندازد. قصه ای شکل نمی گیرد. دیالوگ ها را به سختی و نصفه نیمه می شنویم، ریتمی که به حظ منتهی شود ایجاد نمی شود. در صورتی که حضور این تعداد بازیگر روی صحنه، می تواند این امکان را ایجاد کند که مدام از هماهنگی بدن ها، تماشاگران

نمایش خود را دچار حظ کنی. اما «ارور ۴۰۴» برای این ساخته نشده. اتفاقا ضد حظ است. ضد همه چیزهایی است که مخاطب امروز توقع دارد در یک تئاتر ببیند. آمده است که ویران کند. شاید از پس این ویرانی فرصتی برای ساختن ایجاد شود. یا بهتر است بگوییم نیامده که ویران کند، آمده ویرانی را نشان دهد چرا که ویرانی مدت ها است اتفاق افتاده. مانمی بینیمش. او تلاش دارد ویرانی را نشان مان دهد.

روند حرکت عباس جمالی و گروه رنج کشیده اش، در ادامه می تواند من مخاطب را هم از صندلی ام بلند کند. بعد از اجرا به جمالی گفتم از اینکه روی صندلی نشسته بودم و نمایشات را می دیدم، احساس شرمندگی داشتم. او به عنوان کارگردانی که همه چیز را روی صحنه دیده، می بایست من را هم ببیند. در برابر این اجرا، من ناظر، همان من منفعل همیشه ایست. جریانات تئاتر دادنیستی و پس از آن پرفورمنس ها، این تجربیات را انجام داده اند. مخاطب بخشی از اجرا بوده و نه صرفا ناظر اجرایی که همه ارکان تئاتر را ویران می کند. لا مخاطب را. چون او با امنیت و آرامش کامل روی صندلی همیشه ایست تکیه داده. اینجا همان نقطه ای است که پای «ارور ۴۰۴» کمی می لنگد چون با رفتن به سمت دخیل کردن تماشاگر، آن وقت دیگر این سالن و این تئاتر به دردش نخواهد خورد. اثر می بایست بساط خود را جایی دیگر پهن کند که بدن من مخاطب را نیز مساله دار کند.

معتقدم نگاه عباس جمالی و رفتار او در تئاتر، بسیار برای تئاتر ما و جامعه ما ضرورت دارد و این همان جایی است که از دلش، چیزی بر خواهد آمد.



تاریخ انتشار: شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۴۰۰ * ۱۲:۴۰

گفت و گو «ایران» بالادن نازی کارگردان نمایش «لیاس جدید پادشاه» تلاش برای خارج شدن از دورهای باطل

محمد حسن خدایی
شیراز

لادن نازی که سابقه بازیگری هم در کارنامه خود دارد، در چند اجرایی که کارگردانی کرده، نشان داده که چگونه در تلاش است مواجهه‌ای انتقادی و خیال‌پردازانه با روایت رسمی از تاریخ داشته باشد. نمایش «لیاس جدید پادشاه» که به زندگی احمد شاه قاجار در سفر به فرنگ می‌پردازد، ممتنی بر همین رویکرد روایی است و سیمای تازه‌ای از این شاه ناکام قاجاری برای مخاطبان ترسیم می‌کند. مردی سرگردان میان سنت‌های شرقی با عقایدیت خودبیاد غربی که برای پذیرفته شدن نزد دربار امپراتوری استعمارگر بریتانیایی، مجبور شده در باب لیاسی که قرار است بر تن کتد، دست به انتخاب ناگزیری غربی است و به نوعی تلاشی برای بافتن بازارهای اقتصادی تازه، کشور پهنپنوار ایران نیز از این مسأله مستثنی نبوده و نمایش «لیاس جدید پادشاه» روایتی است نمایشی از این مواجعات سیاسی. در ادامه گفت‌وگو با لادن نازی را می‌خوانید، یکی از کارگردانان عمل‌گرای این روزهای تئاتر ما.



● **گویا کارگردانی نمایش «لیاس جدید پادشاه» برای شما جالبش برانگیز بوده، منظوری به تولید، حوادث اجتماعی و حتی همه‌گیری ویروس کرونا است. در این رابطه توضیح دهید.**

پیش تولید نمایش «لیاس جدید پادشاه» از اردیبهشت سال ۹۸ آغاز شد و بعد از تمرینات پیوسته و تغییرات بسیار در طراحی حرکت، میزانش‌ها، متن و عناصر وابسته دیگر، در آبان ماه سال به روی صحنه رفت که خوشبختانه با کمک درام‌اتورژ و نویسندگان به یک نمایش منسجم و با استنادهای تقریباً بالا رسیدیم. اما نمایش گروه یا اتفاقات ناخوشایندی مواجه شد. تعطیلی اینترنت در آبان ۹۸ امکان تبلیغات و حتی بلیت‌فروشی را از ما گرفت و تقریباً جامعه تئاتری و علاقه‌مندان نمایش تئاتر از تاریخ اجرای ما و آغاز آن بی‌اطلاع بودند. یک هفته از اجرای ما به این منوال گذشت

■ **به لحاظ اجرایی این نمایش چه**



تئاتر

پیشنهادی برای ناتمام ما دارد؟ بختم ناظر بر استفاده از عروسک، شیوه نمایش ایرانی و تلفیق آن با فضای پساامپرسیونیسم است. به تاریخ و احمد شاه است. این فضای متکثر اجرایی بنا بر چه ضرورتی مورد استفاده قرار گرفته؟
در جواب به این پرسش باید بگویم هر تئاتری شدت بازتاب شخصیت و سلیقه و دانش یک کارگردان است. پادشاه به طور حتم در نمایش «لیاس جدید پادشاه» خوب با بند، این‌ها عنصر بسیار دخیل بوده‌اند. من در زندگی شخصی انسان بسیار خیال‌پردازی هستم و به جادو، رؤیا، تاریخ و ادبیات و یک سبک تا حدودی مستند و البته جلدی، به یک عنصر لطیف نیاز دارم تا بتوانم آن را روی صحنه تئاتر قابل اجرا و به نوعی قابل تحمل کنم. مخاطب در کنار آنچه که می‌بایست تماشا کند که اغلب چندان خوشایند هم نیست، از حفظ بصری، مخاطبی که موسیقی خوب گوش کند و جادو ببیند. می‌گویم جادو، چون مگر می‌شود اسم تئاتر را آورد و به جادو فکر نکرد. برای جادو و خیال‌پردازی، عناصر صحنه‌ای چون نور، سایه، صدا، بازیگر و عروسک را می‌توان اضافه کرد. عروسک یک جهان است، یک رشته تخصصی و یک تکنیک مهم و اثرگذار چیزی که به اشتباه هنگام نام بردن از مفهوم عروسک به ذهن متبادر می‌شود، «تئاتر کودکان» است. اما تئاتر عروسکی یکی از متنوع‌ترین و هنری‌ترین زیرشاخه‌های هنر نمایش است که با آن می‌شود روی صحنه به جهان جادو سفر کرد. گذشته از آن سلیقه‌ام در هدایت بازی و استفاده از اشیاء، فاصله گرفتن از رئالیسم سنتی است. در این کار همه چیز بر اساس رئالیسم استایلایز (شوه‌دار) پیش می‌رود. همه عناصر مثل یک «مان» پروانه‌ای، به هم مرتبط و متصل است و هیچ چیز و هیچ کس به شکل مجزا و انفرادی کار خودش را نمی‌کند.

عمیقاً اعتقاد دارم تاریخ یک دور باطل است و حتماً می‌شود آن را از این دور خارج کرد. مسأله نمایش «لیاس جدید پادشاه» برای من هر چه که باشد، اما برای مخاطبان این اجرا بسیار آشنا و ملموس است. البته بهتر است به جای نگاه کمیک که ذکر کردید این گونه توضیح بدهم که «لیاس جدید پادشاه» یک طنز انتقادی است



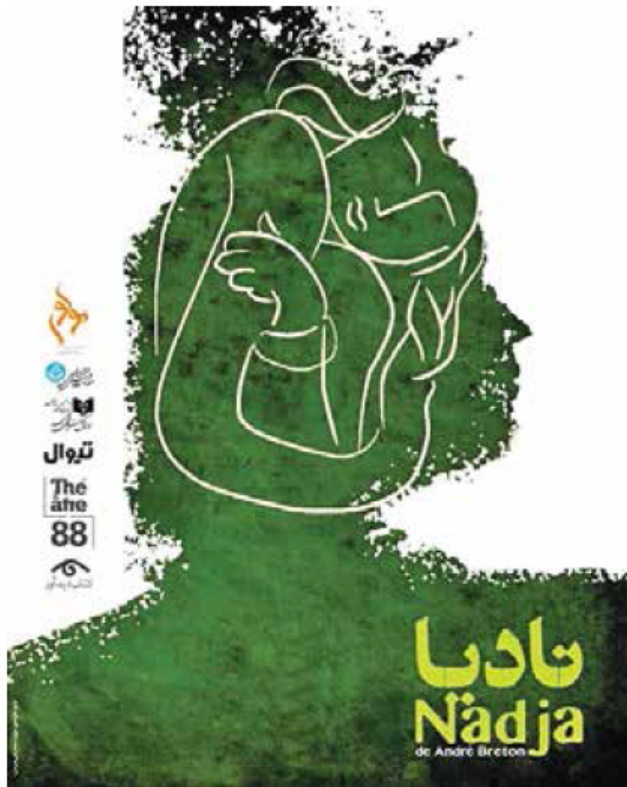
■ **ایران و پارس سگین تاریخ که برکرد همگی ما فشنه چیست؟**
عمیقاً اعتقاد دارم تاریخ یک دور

■ **نمایش «لیاس جدید پادشاه» تلاش دارد نگاه‌های انتقادی و کمیک به تاریخ داشته باشد، از این باب نگاه شما به گذشته**

باطل است و حتماً می‌شود آن را از این دور خارج کرد. مسأله نمایش «لیاس جدید پادشاه» برای من هر چه که باشد، اما برای مخاطبان این اجرا بسیار آشنا و ملموس است. البته بهتر است به جای نگاه کمیک که ذکر کردید این گونه توضیح بدهم که «لیاس جدید پادشاه» یک طنز انتقادی است.

■ **آینده تئاتر در ایران را چگونه می‌بینید؟ در جایگاه یک کارگردان زن، آیا شرایط تولید تئاتر سخت‌تر است؟**

نمی‌خواهم از منظر جنسیتی به این قضیه نگاه کنم، اما فکر می‌کنم در یک سیستم مردانه، کار برای زنان دشوارتر است. اما شاید همین سختی‌ها را همکاران مرد من هم متحمل شده باشند. بهتر است، بگویم تئاتر کار کردن بسیار سخت است در این زمانه و من به شخصه آینده مناسبی برای تئاتر در ایران نمی‌بینم. تئاتر به کالای لوکسی تبدیل شده که معیار نهایت دیده شود.



مروری بر نمایش «نادیا» به کارگردانی غزاله مهربان یکتا نامیدی بزرگ در امیدوی کوچک

بهنام دارابی
منتقد

بعید می‌دانم نادیا نمایشی باشد که حتی خجسته‌ترین تماشاگر را هم خرسند به بیرون سالن بفرستد. نمایشنامه برگرفته از رمان نادبای آندره برتون است و روایتگر داستان برتون است با دختری در پاریس. لازم به توضیح نیست که برتون از سردمداران جنبش سورئالیسم بوده و نادیا دومین اثر اوست که رنگ و بویی سورئال در تاروپود خود دارد. احتمال می‌رود شخصیت زن داستان یک زن روانی واقعی بوده که برتون مدتی را با او حشر و نشر داشته و نهایت ارتباطشان منتهی به نگارش رمان نادیا شده است. به هرحال خواندن این رمان از اوجب واجبات است ولی همان‌طور که گفتم بعید می‌دانم تماشای اقتباس نمایشی آن چندان دلچسب باشد.

ساختار نمایش یک ساختار کلاژگونه است. مخلوطی از تصاویر روی پرده، تکه پاره‌های عاشقانه، موسیقی و قطعات کوتاه نمایشی که از زمان و ساختمان یک پیرنگ پیروی نمی‌کنند. اجازه بدهید همین جای یک آسیب شناسی داشته باشیم از بلایی که بر سر تئاتر نازل شده و عمده آثار را در خود بلعیده است: کلاژ. کلاژ یک هنر قرن بیستمی است که از کویبست‌ها آغاز شد و به دادانیست‌ها و سورئالیست‌ها ختم شد. طبیعی است که پس از گذر سال‌ها تغییرات و تنوعات زیادی را از سر گذرانده باشد اما یک اصل اساسی دارد که تک‌تک اجزا علاوه بر معنای مستقل خود، در تمامیت‌شان یک معنای واحد را بسازند یا حتی اگر از ساخت معنای فراری‌اند باز هم در سپهر نشانگانی‌شان یک هم‌نشینی معنادار را بسازند. بنابراین کلاژ در عین زمختی، هنری ظریف و حساس است. چشم‌هایی فهیم می‌خواهد تا بداند کدام عناصر جفت یکدیگرند و اگر نه کلاژ تفاوت چندانی با اهمال‌کاری

ندارد. آنچه به‌عنوان آسیب از آن یاد کردم هم همین است که کلاژکاری در تئاتر بیشتر به مثابه کنار هم گذاشتن آنچه کارگردان می‌خواهد، شده است بی‌توجه به معناهای احتمالی که تولید می‌شود. بنا نیست موزه حیات وحش از حیوانات منقرض شده درست کنیم که نادرترین تصاویر را کنار هم بچینیم یا حتی قرار هم نیست تصاویر تکه پاره ذهن کارگردان بی‌هیچ خط ربطی مانند تکه‌های لگو روی هم چیده شوند. حتی که برای مؤلف منشایی و برای مخاطب توضیحی دارد.

پس لازم است ظرافت بیشتری در چسباندن تکه‌ها خرج شود. همان چیزی که نمایش نادیا از آن محروم است: درخ از ظرافت، درخ از زیبایی. به نظر می‌رسد کارگردان مدهوش عاشقانه اثر شده است و تمام تلاشش را کرده تا از لابلای خطوط رمان معناهایی مترکم از عشق را - که جایی در محدودیت نمایش ندارند - بیرون بکشد و با تپله (طبلة) کاری کنار یکدیگر

بچسباند. پرش‌های زمانی در روایت داستان، سکوت‌های بی‌دلیل، کوتاهی صحنه‌ها و الکن ماندن‌شان، بازی‌های بسیار مبتدیانه و سطحی در حد واگویی دیالوگ‌ها از مهم‌ترین عواملی است که تماشاگر را ناامید خواهد کرد.

واضحاً به موضع همیشگی خودم بازمی‌گردم که تئاتر چگونه برای مخاطبش کار می‌کند و سعی می‌کنم به دنبال پاسخ، حکمی صادر نکنم اما سؤال را این‌طور تغییر می‌دهم که یک نمایش عاشقانه معناگریز با نقاط ضعفی نه چندان کم چه جایگاهی را در کلیت تئاتر یا در ذهن تماشاگر به خود اختصاص می‌دهد؟ منظور سخن این نیست که الزاماً تئاترهایی پر معنا یا با درون‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی نیاز داریم اما اطمینان دارم به تئاترهایی که درکی از فراواقعیت و عاشقانه‌نگی ندارند و حتی توانایی سرگرم کردن تماشاگر را هم ندارند احتیاجی نداریم. پس بی‌صدور حکم هم آنها محکومند و بهتر است از گامی عقب‌تر دوباره به تئاتر و فضیلت و رسالت آن نگاه کنند.

علی قسمت لالیف رئیس مرکز تئاتر موزیکال جمهوری آذربایجان:

تئاتر برای مدرن شدن و ترقی باید به ریشه هایش اتکا کند

هم وجود دارد که تئاتر را به صورت عملی و در رشته‌های بازیگری، نویسندگی، موسیقی و... آموزش می‌دهند و اساتید شناخته شده تئاتر آذربایجان تدریس در این کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی را به عهده دارند.

او در ادامه با اشاره به اینکه ادبیات و فولکلور و موسیقی ما با ایران نقاط مشترک فراوانی دارد و تبادل‌های هنری دو کشور، اشتراک نظرها و یکجا جمع شدن به توسعه و رشد فرهنگ کمک می‌کند، گفت: ما از طریق حضور در فستیوال‌های دنیا از جمله جشنواره تئاتر فجر با کارگردان‌ها و بازیگران و هنرمندان شناخته شده‌ای آشنا شده‌ایم که برخی از آن‌ها به همکاری مشترک هم منجر شده است. معتمد هنر، اینطور آدم‌ها را باهم آشنا و دوست می‌کند.

رئیس مرکز تئاتر موزیکال جمهوری آذربایجان تصریح کرد: خادمان فرهنگ و تئاتر در دنیا تلاش می‌کنند هنر را گسترش دهند چراکه این علاقه‌مندی‌ها هرچقدر بیشتر بین کشورها تقسیم شود شاهد اتفاقات درخشان‌تری در فرهنگ و هنر خواهیم بود.

او ادامه داد: معتمد فرهنگ، بزرگترین سیاست برای هر کشوری است. چون کاری را که هنر می‌کند، دیپلمات و سیاست‌مدار نمی‌تواند انجام دهد؛ در واقع بزرگترین سیاست و دیپلماسی در گفتگو، هنر است.

لالیف در پایان با بیان اینکه «هر موقع فستیوال و جشنی در کشور ایران باشد ما در کنار شما خواهیم بود»، گفت: همه ما به اندازه یک نفس به همدیگر نزدیک هستیم و این مهم‌ترین دستاورد یک ارتباط هنری است.



می‌توانم بگویم تئاتر آذربایجان هم سطح با تئاترهای مدرن دنیا و کشورهای صاحب سبک قرار گرفته است.

این هنرمند تئاتر جمهوری آذربایجان با اشاره به اینکه بخشی از تولیدات تئاتر این کشور به سفارش دولت است و حمایت مالی قابل توجهی هم از آن‌ها می‌شود، گفت: علاوه بر اینها، آنهایی که در هنر حرفی برای گفتن دارند و هنرمندان بزرگ، از طرف دولت همیشه به بهترین حالت تحت حمایت قرار گرفته و می‌گیرند.

لالیف با اشاره به تئاتر آکادمیک در جمهوری آذربایجان هم توضیح داد: علاوه بر دانشگاه‌ها و رشته‌های تخصصی برای هنرهای نمایشی، مدارس

رئیس مرکز تئاتر موزیکال جمهوری آذربایجان یادآور شد: دولت به تئاتر و هنرهای زیبا و موسیقی اهمیت زیادی می‌دهد و دائماً به دنبال اتخاذ تدابیری برای بهتر کردن شرایط فعالان هنری است؛ رویکردی که باعث رشد و مدرن شدن تئاتر و فرهنگ و هنر در این کشور شده است.

لالیف با تأکید بر اینکه «دولت می‌داند که کمک به رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر، در واقع فراهم کردن شرایطی برای رشد انسان است» گفت: همین نگاه باعث شده که تئاتر جمهوری آذربایجان امروز به عنوان یک تئاتر مدرن در جهان پذیرفته شود و نمایش‌های این کشور به جشنواره‌های بین‌المللی مختلفی راه پیدا می‌کنند؛ به طوری که با اطمینان

رئیس مرکز تئاتر موزیکال جمهوری آذربایجان می‌گوید «ریشه‌های قدیمی، اساس نمایش‌های ماست چون معتقدیم بدون ریشه‌ها، رشد و ترقی ممکن نیست».

«علی قسمت لالیف» رئیس مرکز تئاتر موزیکال جمهوری آذربایجان در گفتگو با ایلنا، به گستردگی سطح ارتباط هنری ایران و جمهوری آذربایجان اشاره کرد و یادآور شد: تعداد پرشماری از آثار تئاتری شهرهای مختلف ایران در آذربایجان به صحنه رفته‌اند و طی سال‌های اخیر تئاترهای موزیکالی در کشور ما به صحنه رفته که آقای بردیا کبارس رهبری ارکستر آن‌ها را به عهده داشته است. همچنین تاکنون چه در جشنواره‌های تئاتر فجر و چه در هفته‌های فرهنگی اجراهایی در ایران به صحنه برده‌ایم.

لالیف با اشاره به اینکه هنر تئاتر بیش از یک قرن در آذربایجان سابقه دارد، تصریح کرد: تئاتر آذربایجان بر پایه ریشه‌های ملی خلق شده و با بازی‌های محلی و تاریخی این منطقه پیوند نزدیکی دارد. با اینکه تئاتر کشور ما مدرن شده اما کماکان ریشه‌های قدیمی، اساس نمایش‌های ماست چون معتقدیم بدون ریشه‌ها، رشد و ترقی ممکن نیست. او با بیان اینکه «از ۲۸ تئاتر دولتی که در کشور ما هستند ۴ گروه به صورت آکادمیک و کنسرواتور فعالیت می‌کنند که ما جزو یکی از آن‌ها هستیم» خاطرنشان کرد: همه این گروه‌ها از طرف دولت تأمین مالی می‌شوند؛ چون در بودجه عمومی جمهوری آذربایجان، بخشی جداگانه برای فرهنگ دیده شده است تا بودجه معینی به تئاتر اختصاص پیدا کند. البته که تئاترهای غیردولتی هم مشمول دریافت کمک‌های مالی دولتی هستند.



حسان زیور غالم

برگه راهنمایی نمایش را که مطالعه می‌کنم تنها یک بند حاوی اطلاعات کمیکی برای دیدن نمایش است و نمایش که آغاز می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود چرا مؤلف جوان از دادن اطلاعات بیشتر به مخاطب خود صرف نظر کرده است. یک ساعت پیش از شروع نمایش کارگردان با مسئول تالار مولوی گفتگو می‌کرد و از فقدان دانش کافی در میان مراجعه کنندگان گلایه داشت. اینکه چرا مردم هملت را نمی‌خوانند و برای دیدن نمایش، آگاهی زیادی یا خود حمل نمی‌کنند گلایه جذابی است. بی‌شک داشتن مخاطب آگاه امکان دیالوگ بهتری میان خالق اثر و مخاطب اکثر بدید مسی آورد اما یک پرسش مهمتر برایم مطرح می‌شود. آیا این دو نسوی یک اثر به یک میزان از اطلاعات بهره می‌برند؟ آیا خاستگاه اطلاعات یا محتوای آن برای هر دو گروه برابر است؟ اساساً دیدن نمایش برای رسیدن به یک فصل مشترک میان دو جریان متقابل است یا برجسته کردن فصل مشترکی از گذشته؟ با چنین چشم‌اندازی وارد سالن می‌شوم. هنوز نمی‌دانم با چه هملتی روبه‌رو می‌شوم. تنها می‌دانم از سه متن اقتباس شده است. یک متن، هملت شکسپیر به آسانی در دسترس است و دو متن دیگر، یعنی اقتباس‌های هاینر مولر و پرنل ماری کولتس، آثاری خاص، ناشناخته برای مخاطب معمولی تئاتر و اندک و محدود در چاپ به حساب می‌آیند. یعنی در حالت عادی به دیدن عنوان هملت، مخاطب می‌گوید همان روایت برادر کشی و انتقام از عمو این در حالی است که مخاطب بداند، هر چند اندک، هملت چیست. اسامیه محض



نگاهی به نمایش «هملت» شایان افشردی کلاژهای طرفدار

مواجهه با اثر همان مقدار مناسب برای ادراک و خلق فصل مشترک ناممکن می‌شود. نمایش یک بازی پیچیده است که کمیکی به مخاطب برآورد و به اثر نمی‌کند. حتی می‌تواند مخاطب خاص را هم دچار تشتت کند. جهان امروز، جهان ترافیک اطلاعات است. ما نمی‌توانیم همانند روزگار گذشته خود را علامه بدانیم و بگوییم می‌دانیم آنچه رخ می‌دهد، چیست یا چه معنایی را متبادر می‌کند. مادر انبوه اطلاعات درگیر یک سردرگمی عجیب روبه‌رو هستیم و شاید از همین روست که در مواجهه با یک بدیده، به طرفه‌العینی دیدگاه خود را تغییر می‌دهیم. مادر گریب نوع تازه‌ای از ترکیب جهانیت و معرفت شده‌ایم. شاید همان چیزی که بتوانیم به مثابه جنبه‌ای از جهان بسست مدرن ادراکش کنیم. هم می‌دانیم و همه نه‌ان از قضا نمایش «هملت» شایان افشردی نیز در چنین وضعیتی قسراً می‌گیرد. می‌دانیم در عین حال نمی‌دانیم و حتی

آن یک بند راهنمایی ابتدایی هم بر گنجی مسامی می‌افزاید. پرسش بزرگی شکل می‌گیرد که هملت کجاست. نمایشی که تنها دو شخصیت هملت و اقلیا دارد چگونه می‌تواند روایت غمبار شاهزاده دانمارکی را روایت کند؟ خوب، همان ابتدا می‌توان گفت ما با روایتی از هملت شکسپیر روبه‌رو نیستیم. با حذف نام شکسپیر از آن بند راهنما، خللی در نمایش ایجاد نمی‌شود؛ چون نمایش بیشتر به مولر و کولتس وفادار است. داشتن دو شخصیت آن، برآمده از «هملت‌مانشین» مولر است و وجه سخنرانی آن برآمده از «روز مرگ در داستان هملت» و از قضا دومی بیشتر از اولی در فرم غالب می‌شود. متن کولتس با آن آزادی بی‌حد و حصر می‌تواند هر کسی را اقتضای کند در این جهان بسامد مدرن طبع آزمایی کند. اما با دیدن نمایش یاد گفتاری از هاینر مولر افتادم که «به مدت ۳۰ سال هملت برای من یک دلمشغولی واقعی بوده، بنابراین تلاش کردم تا نوشتن

متنی کوتاه، هملت‌مانشین، هملت را نابود کنم. تاریخ آلمان دلمشغولی دیگرم بود و تلاش کردم تا این دلمشغولی را این کل پیچیده را نابود کنم.» حالا به بحث ابتدایی باز می‌گردم، آنجا که چطور ما هم می‌دانیم و هم نه برای من این پرسش مطرح می‌شود آیا «هملت» افشردی همانند اثر مولر می‌تواند تاریخ ایران را درگیر کند. افشردی پسر جوانی است و توقع یک فکر ۳۰ ساله از او امر عادی است. او در قرن تازه، با تئوهای اطلاعات و منابع مطالعاتی، می‌داند دیگران پیش از او چه کرده‌اند یا حتی قصد چه کاری را دارند. پس او با دانش خود پیش رفته و اثری پیچیده آفریده است. اما دل مشغولی او چیست؟ نکته مهم همین است. همان جمله جذاب مولر که در راهنمایی نمایش یافت نمی‌شود. تلاش برای یافتن مصاحبه‌ای از افشردی ناموفق بود، شاید جایی گفته است هدفش چه بوده؛ اما در دنیای بسامد مدرن افشردی که از قضا میراث مولر است، یافتن پیام ساده

نیست. نمایش او هم از قضا در بیان قصد و مقصود، بر خلاف اثر مولر است. دنیای «هملت‌مانشین» آشکارا آلمان دوباره و دو جنگ جهانیگیر خاتمان سوز را بازتاب می‌دهد و «هملت» افشردی حداقل برای من بازتاب هیچ چیزی جز ذوق و شوق کارگردان در خوانش شخصی از هملت نیست؛ مگر آنکه کلیسای نمایش را مسجد تعبیر کنیم و تریبون سخنرانی را مجلس. حالا مفهوم موش در نمایش برای من ایرانی می‌شود. ولی چقدر این برداشت شخصی من می‌تواند درست باشد؟ یا چنین تگرشی المافی به حساب نمی‌آید؟ آیا واقعاً می‌توان میل من به دیدن جنبه‌ای اجتماعی و سیاسی در اثر را راستی آزمایی کرد؟

بیباید کمی هم به کولتس رجوع کنیم. عمر مرد فرانسوی چنان کوتاه بود که زمان برای زم‌کشایی از آثارش به وقت حیات مهیا نشد. در ابتدای نمایشنامه هملتش می‌گوید «ای روح نارام از زمان مرده است، برنخیز.» جمله بسیار شبیه گفتگوهای دو دوست یکی در ایران و دیگری خارج از کشور است، جایی که دوست ساکن ایران می‌گوید «وضع خوب نیست. به کلمات ترنه ترنه برگردی!» جمله ساده و سرشار از پیام سیاسی است و محتوای عمیقی برای تفسیر اجتماعی دارد. جمله کولتس، با توجه به روح سرکش او پیام روشنی دارد. او در همان آغاز، همانند بسبب‌ساری دیگر از نمایشنامه نویسان پیامد مدرن، ضربه کاری را در آغاز متن می‌زند؛ همچون پینتر یا مولر. این راه باید در پرشت جستجو کرد. اینکه در بطن اثر خود، هویت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کن. نسل مولر و کولتس سرخورده از فاشیسم شوروی و لیبرالیسم افسار گسیخته غرب، راهی جز اعتراض به سیاسی بسامد مدرن نیافتند. آدم‌های سردرگم و گم کرده هویت که حتی

افشردی شیفته هملت شکسپیر است و در روح عاری از آن عصیان مولر. برای همین همه چیز در نمایش دیدنی است. دکور، نور، لباس و حتی زبان که هنوز به وضعیت آر کائیک دل بسته است و آن را رها نمی‌کند. تلاش می‌کند اعتراض را به اجرا بکشد تا بازیان؛ پس این هملت دست گرمی است. تماشاگرش با هملت خواندن وارد اثر نمی‌شود و همه در نهایت سر درگمی بیش نیستیم

طبقه اجتماعی آنها مخدوش شده است و زبانشان ناآرام است و سرسام آور است. همان چیزی که در اثر افشردی نیز مشاهده می‌کنیم؛ اما بعید می‌دانم اثر او چون اسلافش قصد زبان زدایی، تاریخ‌گریزی یا مهم‌تر، انهدام هملت را داشته باشد. او شیفته هملت شکسپیر است و در روح عاری از آن عصیان مولر. برای همین همه چیز در نمایش دیدنی است. دکور، نور، لباس و حتی زبان که هنوز به وضعیت آر کائیک دل بسته است و آن را رها نمی‌کند. آن را مخدوش نمی‌کند. همچونمی‌کند و تلاش می‌کند بازی با السباب بازی‌هایی که عموماً ادوات جنگی هستند و پرتاب می‌شوند و منهدم. پس این هملت دست گرمی است. تماشاگرش با هملت خواندن وارد اثر نمی‌شود و همه در نهایت سردرگمی بیش نیستیم. زیاد می‌دانیم و هیچ نمی‌دانیم.

انتصاب اعضای جدید شورای نظارت بر اجرای تئاتر مشهد

رئیس انجمن هنرهای نمایشی خراسان رضوی گفت: اعضای جدید شورای نظارت بر اجرای تئاتر مشهد از سوی معاونت هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان منصوب شدند. جشنی به ایرنا گفت: مهدی سیم ریز، محمد مداح حسینی، رضا حاتمی وفا، خانم رفاهی و حجت الاسلام یوسفزاده به عنوان اعضای جدید شورای نظارت بر اجرای تئاتر مشهد معرفی شدند که احکام آنان برای تأیید نهایی باید به تهران ارسال شود.

به کارگردانی میلاد رخس بهار تولید نمایش «شنل» بعد از وقفه ای ۲ ساله از سر گرفته می شود



نمایش «شنل» نوشته احسان زیور عالم و کارگردانی میلاد رخس بهار که قرار بود در سال ۹۸ روی صحنه برود، برای اجرا در بهار ۱۴۰۱ آماده می شود. به نقل از روابط عمومی نمایش، میلاد رخس بهار کارگردان نمایش «شنل» درباره اجرای این اثر نمایشی گفت: نمایشنامه «آیا آقای پوشکین از ما راضی خواهد بود؟» نوشته احسان زیور عالم را در سال ۹۸ برای اجرای عمومی آماده کرده بودیم که با تعطیلی سالن های نمایش و با شرایطی که همه دنیا را درگیر کرد، کار را متوقف کردیم و از اوایل زمستان امسال و با بهتر شدن شرایط، این پروژه نیمه کاره را دوباره کلید زدیم. وی درباره این نمایشنامه توضیح داد: زیور عالم این نمایشنامه را از داستان «شنل» نوشته گوگول اقتباس کرده که اثری ضد جنگ است. با مشورت نویسنده عنوان «شنل» را برای اجرا انتخاب کرده ایم.

این کارگردان تئاتر و سینما درباره تاثیر وقفه ۲ ساله بر روند تولید این نمایش عنوان کرد: طبیعتاً ضربه روحی که به گروه این نمایش خورد مانند همه گروه هایی که در میانه کار، با تعطیلی روبرو شده اند، وجود دارد. بخش عمده گروه دستخوش تغییر شد. بر آورد هزینه های پیشین چندین برابر شده اند. مسئله بیماری و چالش هایی که مدام روان گروه های تئاتر را درگیر می کند بیش از پیش آزارمان می دهد اما خوشبختانه راه های حفظ سلامت خودمان را آموخته ایم و به نظرم سرسخت تر از قبل شده ایم. همین نکته برای فعالیت بیشتر امیدوارمان می کند.

رخس بهار نمایش شنل را کاری از گروه تئاتر «ما» معرفی کرد و ادامه داد: چند سال قبل که این نمایشنامه را برای اجرا انتخاب کردیم تعدادی از بازیگران گروه تئاتر «صلح» در نمایش حضور داشتند که با توجه به شرایط فعلی نتوانستیم از این بازیگران استفاده کنیم اما این همکاری همچنان در بخش های کارگردانی و طراحی با گروه تئاتر «صلح» ادامه دارد.

وی در پایان تصریح کرد: اجرای «شنل» را برای اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ آماده می کنیم و به زودی بازیگران و عوامل اجرا معرفی خواهند شد.

گفتگو با کارگردان نمایش «بچه»

نمی‌توانیم چشمان مان را بر این فجایع ببندیم

برای اجرای این نمایش بیشتر کرد، جالب است که وقتی طرح نمایش را با جشنواره‌های گوناگونی که با آنها همکاری داریم، فرستادیم، بسیار استقبال کردند و قرار بود در این اجرا مشارکت داشته باشند که به دلیل کرونا، عملی نشد.

این فجایع هیچگاه کهنه نمی‌شوند

ماهیان که در این سال‌ها به عنوان کارگردان و بازیگر، تجربه حضور در کشورهای گوناگونی را داشته است، ادامه می‌دهد؛ در این سفرها با دغدغه‌ها و نیازهای مردم کشورهای دیگر آشنا شده بودم. در حال حاضر جنگ و مهاجرت مهم‌ترین مسأله‌های انسانی است، چه موضوعی مهم‌تر از مسائل اخیر افغانستان و بچه‌هایی که در این میان آسیب دیده‌اند؟! هر چند همه مردم این واقعات را در اخبار می‌بینند بویژه در دنیای امروز که روزانه در آماج ده‌ها خبر بد قرار می‌گیریم ولی وقتی همین فجایع در قالب یک اثر هنری را به شهود، طبیعتاً موثرتر خواهد بود. متأسفانه این مسأله هیچگاه کهنه نمی‌شود. تا بشر و جنگ هست، مهاجرت هم هست و کودکانی که قربانی می‌شوند و حالا با دیده‌های این اتفاق همچنان وجود دارد. به همین دلیل کل گروه اجرایی متفق‌القول بودند که این موضوع جهانشمول است.

موضوع بعدی صحبت ما درباره انتخاب جنگ به عنوان مسأله اصلی این نمایش است. انتخاب این موضوع در عین حال کار خطرناکی است زیرا مخاطب به وفور در خبرها درباره آن دیده و شنیده است. بنابراین چگونه می‌توان آن را برایش جذاب کرد؟

ماهیان در پاسخ به این پرسش توضیح می‌دهد: در اجرای هر اثری، این چالش بزرگ وجود دارد چون هر چیزی که به عنوان موضوع نمایش انتخاب می‌شود، ممکن است مخاطب درباره آن دیده و شنیده باشد. اما نکته مهم، نمایشی کردن و دراماتیزه کردن آن موضوع است. این چالش بسیار بزرگی است که همیشه در کارهای مان با آن مواجهیم بخصوص نمایش‌های مستند مثل «هم‌هوایی»، «از زیر زمین تا پشت‌پام» و «بچه». دو کار قبلی که سخت‌تر هم بود چون مونولوگ‌های طولانی داشتند. به هر حال کار سخت‌تر، همین جذاب کردن موضوع، برای دیدن است و همه اعضای گروه می‌کوشند به جذابیت‌های دراماتیک، مینیماال بودن و سمبلیک بودنش اضافه کنیم اما نمایشنامه‌های مستند تا حدودی در دیالوگ این ویژگی را دارند که برگرفته از واقعیت است که اتفاقاً مورد علاقه من است و درباره آن هیچ مقاومتی ندارم.

درست در روزهایی که مردمان اکراین درگیر جنگ شده‌اند، یک گروه نمایشی در تماشاخانه ایرانشهر بدون پیش‌بینی کردن این جنگ، نمایشی را درباره تبعات جنگ، تجاوز و مهاجرت‌های غیرقانونی روی صحنه برده‌اند.

نمایش «بچه» نوشته نغمه تمینی و کار افسانه ماهیان درباره بلایای جنگ است اما این بار، یک بچه، نقطه نقل این نمایش است. بچه‌ای که سه زن او را به دندان کشیده‌اند و از دل آتش و طوفان، او را به سرزمینی امن رسانده‌اند و این خود سرآغاز یک بحران تازه است. این نمایش با بازی فاطمه معتمد آریا، مهرا نائل و شیوا فلاحي در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است و به انگیزه اجرای آن با افسانه ماهیان گفتگویی داریم. گفتگوی ایسنا با این کارگردان پیش از شروع جنگ اکراین انجام شد و ماهیان در آن از مسأله مهاجرت به عنوان یکی از مسأله مهم جهان امروز و از دل‌سنگی اش به تئاتر اجتماعی می‌گوید و تأکید می‌کند هنرمند نمی‌تواند بی‌تفاوت از کنار مسائل اجتماعی بخواهد ملی و خواه جهانی، بگذرد.

ماهیان در آغاز درباره انتخاب موضوع مهاجرت که در د مشترک جهان معاصر است، می‌گوید: در تمام سال‌هایی که تئاتر کار کرده‌ام، همواره موضوعات اجتماعی دغدغه‌ام بوده است؛ موضوعاتی که ریشه مستند دارند و تخیل و قصه‌پردازی در آنها کمتر است. در سالیان اخیر بعضی از این موضوع‌ها به مسأله اصلی انسان‌ها در هر جغرافیایی تبدیل شده و مسأله زیستگاه، یکی از همین موضوعات مشترک است. بویژه در دو سه سال اخیر بارها دیده‌ایم بسیاری از هموطنان مان و مردمان دیگر کشورها در راه مرزها، رفتن به یونان، دریای مدیترانه و... گرفتار چه مصیبتی شده‌اند. این مسأله را به وفور در خبرها می‌بینیم و شاید به سرعت از کنارش بگذریم ولی واقعیت این است که اینها فجایع انسانی است و ترجیح دادم بر این موضوع تمرکز کنم.

این کارگردان با آرایه توضیحاتی درباره شکل‌گیری نمایشنامه ادامه می‌دهد: حدود ۴ سال پیش همراه با نغمه تمینی و منوچهر شجاع درباره موضوع نمایشنامه به نتیجه رسیدیم، جلسات متعددی برگزار و درباره آن گفتگو کردیم تا ایده اجرایی مان پخته شد. موضوع برای همه ما بسیار تکان دهنده و جذاب بود. در سفرهایی که برای اجرای نمایش‌های قبلی‌ام داشتم، می‌دیدم مسأله مهاجرت برای مردم اروپا چقدر مهم است چون چندین ملیت از خاورمیانه، آفریقا و... در کشورهای آنها زندگی می‌کنند و آنان دچار بارادو کس‌های زیادی شده‌اند. این موضوع هم انگیزه ما را



در بخش پایانی این گفتگو با افسانه ماهیان که دل‌بسته تئاتر اجتماعی است، درباره این گونه نمایشی صحبت می‌کنیم.

او در پاسخ به این پرسش که در این وضعیت چه چشم‌اندازی می‌توانیم برای تئاتر اجتماعی تصور باشیم؟ توضیح می‌دهد: می‌توانیم برای تئاتر اجتماعی مان چشم‌انداز داشته باشیم اگر هنرمندان ما دچار سانسور فکر و ذهن نشوند. چون در سینما هم باب است که پرداختن به مسائل اجتماعی را مسیانه‌نمایی قلمداد می‌کنند در حالیکه واقعیت‌ها باید گفته شود. هنرمند نمی‌تواند چشمان خود را بر این مسائل ببندد و بی‌تفاوت از کنار آنها رد شود. بنابراین مدیران فرهنگی باید با چشمان بازتری، این مسائل را ببینند و بدانند این موضوعات در قالب اثر هنری، بخشی از خلاق آموزشی را پر می‌کند و اتفاقاً فرهنگ‌سازی می‌کند تا مردم بدانند چگونه باید با آسیب‌های احتمالی برخورد کنند. مدیران ما نباید فکر کنند هنرمندان ما مسیانه‌نمایی می‌کنند. این واژه‌ای است که در این سال‌ها به بسیاری از موضوعات سنجاق شده و حال آنکه بیان مسأله اجتماعی در قالب آثار هنری سبب می‌شود همه به خود بیایند و مردم هم حس می‌کنند کسی حرف دل‌شان را زد و هنرمندان را همراه خود می‌بینند نه کسانی که به موضوعات شخصی خود می‌پردازند و گویی در جهان دیگری زندگی می‌کنند.

او تأکید می‌کند: بنابراین مقاومت سیاست‌گذاران فرهنگی ما درباره پرداخت آثار هنری به مسائل اجتماعی، نادرست است و اگر همراه با خانواده‌هایشان، مخاطب آثار اجتماعی باشند، نسبت به این موضوعات حساس‌تر می‌شوند و بهتر می‌توانند وظایف فرهنگی خود را انجام دهند. ضمن اینکه در تمام این سال‌ها همه فعالان هنری یاد گرفته‌اند چگونه بدون رد شدن از خطوط قرمز، کار خود را دراماتیزه کنند چرا که ذات هنر، آگراوندیسمان کردن یا گل‌درشت کردن مسأله نیست، اتفاقاً دراماتیک کردن است که اینها با ظرافت نشان داده شود.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر مشهد خبر داد

پردیس تئاتر شهر در مسیر واگذاری به بخش خصوصی



زردکانلو

تماشاخانه

۷ آذر ۱۳۹۷ روز مهمی برای هنرمندان تئاتر مشهد بود، روزی که پروژه ساخت پردیس تئاتر شهر مشهد با حضور مسئولان کشوری و شهری در بوستان وفا کلید خورد.

این پروژه بزرگ دارای ۱۲ هزار مترمربع زیر بنا و ۱۰ هزار مترمربع فضا برای توقفگاه خودرو است. همچنین سالن اصلی این مجموعه از ۵ هزار مترمربع زیر بنا و ۷۰۰ صندلی برخوردار بوده و البته در کنار آن، احداث نگارخانه، کتابخانه و مجموعه های دیگر فراغتی نیز پیش بینی شده است.

همان زمان از سوی شهردار وقت این وعده داده شد که پردیس تئاتر شهر مشهد پس از دو سال به بهره برداری برسد اما این مهم تا به امروز محقق نشده و البته مشکلاتی که کرونا بر تعطیلی های پی در پی وجود آورد را نیز نمی توان بی تأثیر دانست. همچنین برهه ای میان شورای اسلامی شهر و آستان قدس رضوی بر سر مالکیت زمین اختلاف نظر وجود داشت که مرتفع شد. امامدیریت شهری در دوره شورای ششم نیز در مدتی که زمام امور شهر را

به دست گرفته برای به انجام رسیدن پروژه های نا تمام اهتمام ورزیده که پردیس تئاتر شهر مشهد نیز یکی از همین کلان پروژه هاست.

● پیشرفت ۴۱ درصدی

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر مشهد با اعلام اینکه تادی ۱۴۰۰ مراحل ساخت پردیس تئاتر شهر مشهد ۴۱ درصد پیشرفت داشته، از واگذاری ساخت و ساز این پروژه به بخش خصوصی خبر داد.

کسانی که تخصص و اشراف بیشتری به اهمیت زیرساخت های تئاتر و هنرهای نمایشی داشته باشند. حسن منصوریان بابیان اینکه در پیشنهاد لایحه بودجه شهرداری مبنی بر تأمین اعتبار چنده میلیاردی تئاتر شهر باید راه حل ارائه و منبع تأمین اعتبار آن را پیشنهاد دهیم، گفت: پیشنهاد شهرداری این است که این بودجه از سرفصل های فرهنگی تأمین شود و ما اگر بخواهیم ۱۰۰ میلیارد برای این پروژه هزینه کنیم تقریباً هیچ زیرساخت فرهنگی دیگر در شهر مانند سالن های ورزشی، فرهنگ سرا و... رانمی توانیم بسازیم.

● مدیریت شهری متولی تئاتر نیست به باور او، برای تأمین اعتبار پروژه پردیس

تئاتر باید از بخش خصوصی کمک گرفت و بخش خصوصی زمانی که پای کار بیاید در بهره برداری پروژه نیز شریک خواهد بود. منصوریان با بیان اینکه مدیریت شهری متولی تئاتر نیست، پیشنهاد می دهد برای به ثمر رسیدن پروژه پردیس تئاتر شهر مشهد دستگاه هایی مثل اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری چون بهره بردار مستقیم تئاتر هستند با مشارکت بخش خصوصی وارد ساخت و ساز شوند.



تاکنون ۱۰۰ میلیارد تومان از سوی مدیریت شهری برای ساخت پردیس تئاتر شهر مشهد در دوره شورای ششم هزینه شده است

به گفته رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر مشهد، با این رویکرد، این مکان فرهنگی زودتر ساخته می شود و تأمین اعتبار آن راحت تر انجام می شود.

همچنین بر مبنای نظر مراکز اصلی متولی تئاتر ساخته می شود. منصوریان یادآور می شود، این موضوع هنوز در حد پیشنهاد کمیسیون فرهنگی است و کمیسیون تلفیق بودجه و صحن علنی نظر خود را نگفته اند و هنوز به دست فرمانداری نرسیده است تا به صورت مصوبه درآید. به گفته رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه شورای اسلامی شهر مشهد تا کنون ۱۰۰ میلیارد تومان از سوی مدیریت شهری برای ساخت پردیس تئاتر شهر مشهد در دوره شورای ششم هزینه شده است.

وداع با «سیدمحسن مصطفی زاده» شاعر، نمایش نامه نویس و پژوهشگر عرفان و هنر

چشم تئاتر خراسان دیده فرو بست

بالایی داشت و راهگشا بود. او با بیان اینکه زنده یاد مصطفی زاده، نظریه پرداز در تئاتر بود خاطر نشان می کند: او جزو معدود کسانی بود که شخصیتی چندبعدی داشت، هم شاعر بود هم منتقد، هم نمایش نامه نویس بود و هم پژوهشگر، هم عارف بود و هم فیلسوف. جزو نخستین کسانی بود که در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست تئاتر مشهد را به شرایط منسجم و پایداری برساند و عضو نخستین شورای نظارت بر تئاتر در مشهد بود که اتفاق های مبارکی را رقم زد.

■ ارادت به حضرت (رضاع)

اشکذری معتقد است اگر جابر عناصری، پیشگسوت و صاحب نظر در حوزه تعزیه بود قطعاً یکی دیگر از صاحب نظران در حوزه تعزیه ایران و خراسان، سیدمحسن مصطفی زاده بود. او پژوهش های زیادی در حوزه تعزیه داشت و در این حوزه بسیار درخشید. کتاب های زیادی در این باره نوشت و با اینکه خودش ناشر بود ولی برخی آثارش چاپ نشده که امید می رود با چاپ آثار منتشر نشده اش، یادش زنده نگه داشته شود.

وی، مرحوم مصطفی زاده را دوست و معلمی بسیار با اخلاق و همراه برای خانواده تئاتر مشهد دانسته و اضافه می کند: او انسانی کامل و همصحنی بسیار خوب بود. کتاب های زیادی در حوزه نقد شعر و فلسفه منتشر کرد و پلی بین تئاتر، دین و ولایت بود. علاقه شدیدی به حضرت علی (ع) داشت و اعتقاد داشت که تئاتر مشهد بایستی ارادت خودش را به حضرت (رضاع) نشان دهد و فعالیت های مؤثری هم در این راستا انجام داد.

■ با تئاتر فقط عکس یادگاری نگرفت

این کارگردان تئاتر با بیان اینکه مصطفی زاده، یک فیلسوف و اندیشمند بود می گوید: او فلسفه تئاتر را می دانست و تحلیل های عمیقی نسبت به هنر و پدیده های اطرافش داشت. مانند او دیگر نداریم و جایش خیلی خالی است.

او یادآور می شود: چند بار تلاش کردیم برای مراسم گرامی داشت بگیریم اما به دلیل نگاه عارف مسلکی که داشت حاضر نشد چنین مراسمی برایش برگزار شود و ترجیح می داد در کتابخانه اش باشد. او انسان بسیار خودساخته ای بود که با تئاتر فقط عکس یادگاری نگرفت.



مصطفی زاده فلسفه تئاتر را می دانست و تحلیل های عمیقی نسبت به هنر و پدیده های اطرافش داشت. مانند او دیگر نداریم و جایش خیلی خالی است. چند بار تلاش کردیم برای مراسم گرامی داشت بگیریم اما به دلیل نگاه عارف مسلکی که داشت حاضر نشد چنین مراسمی برایش برگزار شود.

مشهد، پشت و پناه هنرمندان بود.

■ فقدان یک نظر به پرداز هنر نمایش

سید جواد اشکذری، منتقد و کارگردان تئاتر نیز با بیان اینکه سیدمحسن مصطفی زاده، چشم تئاتر مشهد و خراسان بود به خبرنگار ما می گوید: او خوب می دید و راه را به بچه های تئاتر مشهد نشان می داد. خیلی از مسائل و مشکلات تئاتر توسط وی حل می شد. بسیاری از چیزهایی که نمی دیدیم یا فکر می کردیم که می بینیم توسط او دیده می شد، نفوذ کلام



■ شخصیت صریحی داشت

رضا حسینی، منتقد و مدرس تئاتر با بیان اینکه مرحوم مصطفی زاده از شخصیت های تأثیرگذار در تئاتر خراسان بود به خبرنگار ما می گوید: ایشان بر جریان و خانواده تئاتر خراسان تأثیر مثبتی داشت و به عنوان یک معلم، عارف، فیلسوف و هنرمند، راهگشا بود. شخصیت صریحی داشت و نظراتش را بیان می کرد و همین موجب شده بود تا یک شخصیت فرهیخته هنری داشته باشد.

او با بیان اینکه درگذشت سیدمحسن مصطفی زاده، یک فقدان عادی نبود و کسی از میان ما رفت که شاید چند ده سال دیگر طول بکشد تا مانند او را ببینیم، می افزاید: کمتر هنرمندانی هستند که نامشان با هنرشان پیوند بخورد و با رفتنشان، فقدان عمیق را در هنر نمایش به جای بگذارند اما رفتن استاد مصطفی زاده، خلأ بزرگی در هنر نمایش ایجاد کرد. چیزی که همواره در ذهن جامعه تئاتر از ایشان به جا مانده، اندیشه ورزی و فرهیختگی در حوزه هنرهای نمایشی خراسان بود. هر زمان صحبت از اندیشه ورزی در هنر نمایش بود، نام زنده یاد مصطفی زاده به میان می آمد و شاید کسی نتواند جای ایشان را پر کند.

وی با بیان اینکه سیدمحسن مصطفی زاده به معنای واقعی کلمه مایه فخر هنر خراسان بود یادآور می شود: دانش عمیق و وسیعی که در حوزه های مختلف همچون فلسفه، هنر و دین داشت در کمتر شخصیتی پیدا می شد. ایشان در فلسفه، هنر و عرفان در صف نخست بود و ما پشت سرشان بودیم.

■ گشودن دریچه های جدید در هنر و عرفان

حسینی با اشاره به پژوهش های قابل توجه زنده یاد مصطفی زاده



درباره تعزیه خاطر نشان می کند:

حوزه تعزیه که بسیار مورد غفلت واقع شده یکی از عرصه های پژوهشی ایشان بود. تألیفات و تحقیقاتشان درباره فلسفه، عرفان و هنر بسیار وسیع تر و عمیق تر بود. در حوزه هنر و عرفان به مانند یک علامه بود و جهان بینی بسیار گسترده ای داشت.

به گفته این مدرس تئاتر، وی چهارراهی بین هنر، دین، عرفان و فلسفه ایجاد کرده بود چون در همه این زمینه ها کار کرده و تسلط دانشی و پژوهشی داشت.

«آریتمی» به روایت رحمانپور

دعوت به چالشی از نوع خیال و لبخند

کار کردن سخت است، در این شرایط سخت اقتصادی ناشی از کرونا و در حالی که بسیاری از پیشکسوتان تئاتر فعالیت‌شان را تا بهبودی شرایط منحل کرده‌اند تیم ما که تیمی جوان و پراکنده است تمام تلاش را می‌کند تا بدون چشم داشت مالی در روشن نگه داشتن چراغ تئاتر نقش داشته باشد. دیگر عوامل این نمایش عبارتند از: دستیار اول کارگردان: حامد کربوند، منتشی صحنه: بهار کشاورز، برنامه‌ریز: آرزو باقری، دستیار دوم کارگردان: امیرحسین قلندری، طراح صحنه: محمود صادقی، ساخت دکور: آرش دانایی و امیررضا معارف‌دوست، دستیار صحنه: عباس وزیری، طراح نور: مصطفی عباسی، آهنگساز: پارسا خسروی، اپراتور صدا: مبینا اصفهانی، اپراتور نور: محمد مهدی قاسمی، طراح لباس: کیانا طالبی، طراح گریم: فرزانه جدید، گریم آقایان: پوریا جدید، گریم خانمها: هانیه مبینی و سعادیه شیرمحمدی، ساخت تیزر و طراح پوستر: رسول شهپازی و رؤف شهپازی، سرپرست عکاسان: سهراب خانزاده، عکاس: مهفام هاشمی و امین عطارزاده، مدیر رسانه: امیر پارسائیان مهر، مجری طرح و نماینده اجرایی: محمد لهماک، مدیر روابط عمومی و تبلیغات: محمد لهماک، مدیر اجرایی و برنامه‌ریز: مریم بصیری‌فر، ساخت تیزر: امین عطارزاده، دستیار روابط عمومی: بهار بلغاری و دیجیتال مارکتینگ: گروه ما.

در واقعیت اتفاق می‌افتد بلکه آن‌گونه که به شکلی مبهم در رویاها، دیده‌ها و لحظات اعتلای روحی‌مان احساس می‌کنیم تصویر شود او دربار و ویژگی‌های نمایش اظهار کرد: فکر می‌کنم همه بتوانند با آریتمی ارتباط بگیرند، جدای هر بحثی، آریتمی از دل اجتماع گرفته شده است و مخاطب را با خنده از سالن به بیرون راهی می‌کند اما به فکر فرو می‌برد. فردین رحمانپور در بخشی از صحبت‌هایش گفت: من یک خواهشی از بزرگان تئاتر دارم، از کسانی که در این حرفه جایگاهی دارند، می‌شود کمی آرام باشید؟ می‌شود خواهش کنم مقداری بسا جوان‌های این حرفه که تازه کار هستند خوب برخورد کنید؟ می‌شود خواهش کنم آنقدر سنگ جلوی پای آن‌ها نیندازید؟ می‌شود خواهش کنم نگاه بالا به پایین نداشته باشید، هوای‌شان را داشته باشید؟ ما احتیاج به حمایت شما بزرگان داریم، احتیاج به علم شما داریم، قرار نیست جای شما را بگیریم، قرار است کنارتان یاد بگیریم. او همچنین اضافه کرد: میدان دادن به جوان‌های متعهد و با پشت کار بهترین کار ممکن است، امکانش هست ما بی‌تجربه باشیم اما نادان نیستیم و می‌خواهیم از طرف بزرگان مسان مورد حمایت قرار بگیریم و از آنها یاد بگیریم، همین ...

رحمانپور در پایان گفت: در این روزهای کرونایی تئاتر

گرفته است و مطمئنم خیلی از حرف‌های نمایش حرف دل جوانانی است که در حال فعالیت در تئاتر و سینما هستند و به آن‌ها توجه نمی‌شود.

او در ادامه افزود: «آریتمی» دعوت به چالشی از نوع خیال و لبخند است. نمایش سراسر مملو از لحظه‌ها و روایت‌های روان و خودمانی است که بر تکلف نیست و قرار است در ساده‌ترین شکل با مخاطب همراه باشد و از لبخند تا خنده و از تفکر به تصمیم را با مخاطب تجربه کند و با او پیش‌سرود تا چندین انتها و چندین تصمیم رقم بزند و مخاطب را در چند راهی‌های شیرین قرار دهد.

این کارگردان اضافه کرد: در «آریتمی» قرار است زندگی کنیم و از انواع بشر، به گونه‌ی جوانان تئاتری تونلی خیالی بزنیم و تجربه کنیم مسیر میان خیال، باور، آرزو، عشق و بی‌نتهایی را تا خندیدن و حتی درد را. آریتمی ساده است، اما حرف‌های زیادی در خود جا داده است.

رحمانپور ضمن اشاره به اینکه اتفاق‌های نمایش در زمان حال است و تمام آن‌ها را خودمان در اطرافیان و زندگی شخصی دیده و حس کرده‌ایم، درباره سبک و فضای اجرایی عنوان کرد: فضای نمایش رئالیسم جادویی و دارای یک ترکیب زیبایی است. ساده‌تر نخواهم بگویم، من ذهن نامنظم را برای مخاطب نقاشی کرده‌ام و چه خوب چه بد این نقاشی ذهن من است و به نظر لازم بود زندگی نه آن‌چنان که



فردین رحمانپور گفت: نمایش «آریتمی» حرف دل جوانانی است که در حال فعالیت در تئاتر و سینما هستند و به آن‌ها توجه نمی‌شود.

نمایش «آریتمی» نوشته فردین رحمانپور و محمد کرمی به کارگردانی فردین رحمانپور و تهیه‌کنندگی امین سعدی از دهم اسفند ماه ساعت ۱۷ در عمارت نوفل‌لوشاتوروی صحنه است. بازیگران این نمایش فرژاد احدی، مانا افکار، علی اکباتانی، الهه جامی، پوریا صفایی‌زاده، حنا فتح‌اللهی، امیرحسین قلندری، حامد کربوند، سمانه مرادی و مرتضی یعقوب‌پور هستند.

فردین رحمانپور در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره روند موضوع و مضمون نمایش گفت: نمایش «آریتمی» از حمایت و اعتماد می‌گوید و کاملاً براساس واقعیت شکل

نمایش

نمایش «بچه»؛ روایتی از تبعات جنگ، تجاوز و مهاجرت های غیر قانونی



اجرای نمایش های قبلی ام داشتیم، می دیدم مساله مهاجرت برای مردم اروپا چقدر مهم است چون چندین ملیت از خاورمیانه، آفریقا و... در کشورهای آنها زندگی می کنند و آنان دچار پارادوکس های زیادی شده اند. این موضوع هم انگیزه ما را برای اجرای این نمایش بیشتر کرد. جالب است که وقتی طرح نمایش را با جشنواره های گوناگونی که با آنها همکاری داریم، فرستادیم، بسیار استقبال کردند و قرار بود در این اجرا مشارکت داشته باشند که به دلیل کرونا، عملی نشد.

ماهیان که در این سال ها به عنوان کارگردان و بازیگر، تجربه حضور در کشورهای گوناگونی را داشته است، ادامه می دهد: در این سفرها با دغدغه ها و نیازهای مردم کشورهای دیگر را آشنا شده بودم. در حال حاضر جنگ و مهاجرت مهم ترین مساله حاد انسانی است، چه موضوعی مهم تر از مسائل اخیر افغانستان و بچه هایی که در این میان آسیب دیده اند؟! هر چند همه مردم این واقعیات را در اخبار می بینند بویژه در دنیای امروز که روزانه در آماج ده ها خبر بد قرار می گیریم ولی وقتی همین فجایع در قالب یک اثر هنری آرایه شود، طبیعتاً موثرتر خواهد بود. متأسفانه این مساله هیچگاه کهنه نمی شود. تایشسر و جنگ هست، مهاجرت هم هست و کودکانی که قربانی می شوند و حالا باید دیده داعش این اتفاق همچنان وجود دارد. به همین دلیل کل گروه اجرایی متفق القول بودند که این موضوع جهانشمول است.

درست در روزهایی که مردمان اکراین درگیر جنگ شده اند، یک گروه نمایشی در تماشاخانه ایرانشهر بدون پیش بینی کردن این جنگ، نمایشی را درباره تبعات جنگ، تجاوز و مهاجرت های غیر قانونی روی صحنه برده اند.

نمایش «بچه» نوشته نغمه ثمینی و کار افسانه ماهیان درباره بلایای جنگ است اما این بار، یک بچه، نقطه ثقل این نمایش است. بچه ای که سه زن او را به دندان کشیده اند و از دل آتش و طوفان، او را به سرزمینی امن رسانده اند و این خود سرآغاز یک بحران تازه است.

این نمایش با بازی فاطمه معتمدآریا، مهران نائل و شسیوا افلاحي در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است و به انگیزه اجرای آن با افسانه ماهیان گفتگویی داریم.

گفتگوی ایسنا با این کارگردان پیش از شروع جنگ اکراین انجام شد و ماهیان در آن از مساله مهاجرت به عنوان یکی از مسائل مهم جهان امروز و از دل بستگی اش به تئاتر اجتماعی می گوید و تاکید می کند هنرمند نمی تواند بی تفاوت از کنار مسائل اجتماعی خواهد ملی و خواه جهانی، بگذرد.

ماهیان در آغاز درباره انتخاب موضوع مهاجرت که دردمشترک جهان معاصر است، می گوید: در تمام سال هایی که تئاتر کار کرده ام، همواره موضوعات اجتماعی دغدغه ام بوده است؛ موضوعاتی که ریشه مستند دارند و تخیل و قصه پردازی در آنها کمتر است. در سالیان اخیر بعضی از این موضوع ها به مساله اصلی انسان ها در هر جغرافیایی تبدیل شده و مساله زیستگاه، یکی از همین موضوعات مشترک است. بویژه در دو سه سال اخیر بارها دیده ایم بسیاری از هموطنان مان و مردمان دیگر کشورها در راه مرزها، رفتن به یونان، دریای مدیترانه و... گرفتار چه مصایبی شده اند. این مسائل را به وفور در خبرها می بینیم و شاید به سرعت از کنارش بگذریم ولی واقعیت این است که اینها فجایع انسانی است و ترجیح دادم بر این موضوع تمرکز کنم.

این کارگردان با آرایه توضیحاتی درباره شکل گیری نمایشنامه ادامه می دهد: حدود ۴ سال پیش همراه بانغمه ثمینی و منوچهر شجاع درباره موضوع نمایشنامه به نتیجه رسیدیم، جلسات متعددی برگزار و درباره آن گفتگو کردیم تا ایده اجرایی مان پخته شد. موضوع برای همه ما بسیار تکان دهنده و جذاب بود. در سفرهایی که برای



تاریخ انتشار: شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۴۰۰ * ۱۲:۴۰

افسانه ماهیان: کارگردان نمایش «بیچه»:

نمی توانیم چشمانمان را بر این فجایع ببندیم



مهرداد علی نامجو: نمایش «بیچه» نوشته نغمه نمین و کار افسانه ماهیان درباره بلای جنگ است اما این بار یک بیچه فقط نطفه ای نمایش است، بجای آن که سر زن او را به دندان کشیده اند و دل آتش و طوفان او را به سوز زمینی امن رسانده اند و این خود سرازار یک بحر آن ناز است این نمایش با بازی فاضله معتمدآری، مهراقل و ششبا فلاحتی در سالن استاد سعیدیان نمایشگاه ارتش به روی صحنه است و به انگیزه اجرای آن افسانه ماهیان گفتوگویی با همین موضوع انجام داده است این گفتوگویی که در آن از مسئله اکران ایجاد شده و مسائل در آن از مسئله مهاجرت به عنوان یکی از مسائل مهم جهان امروز و از دل بستگی آن به تئاتر اجتماعی می گوید و تاکید می کند هنرمند نمی تواند بی تفاوت از کنار مسائل اجتماعی بماند و بی تفاوت از کنار مشکلاتی که پیش از آن در ایران وجود دارد و به عنوان مشترک جهان مطرح می شود. همین باشد، اما نکته مهم، نمایش کردن و درامه زدن آن موضوع است. این جالب است زیرا بزرگی است که همیشه در کارهایمان بسیار می بینیم. به خصوص نمایش های مستند مثل «مهاجران» و «زیرزمین تا پیشگاه» و «بیچه» دو کار قبلی که ساختار هم بود چون مولودهای طولانی داشتند. بهر حال ساختار نادر، همین چیزی که در موضوع برای دیده شدن و فهمی است. اما نمایشنامه های مستند تا حدودی در دایره ای دیگری را دارند که برگرفته از واقعیت است که اتفاقاً مورداطلاقی او یادآوری می کند، وقتی از آسیب اجتماعی سخن می گوئید، ناخواسته به دنیای تازیدی قدم می نهد و به وقتی موضوع مستند است، بخشی از دایره شما مستند خواهد بود. منتها بیگنی به قدرت قلم نویسنده دارد که چگونه این دایره ها را کنار هم درامتیزه کند در همه اپیزودهای ما گفتگوها ماندن نوعی مشاوره است. یعنی دایره ها دارای وزن هستند و تکنیک و زاویه و ادبیات توسط بازیگر و آگهی گزینی ها توسط او مهم است. این گروه برای اجرای نمایش خود سه روز مهاجر کرده اید، افغانستانی و زنی از لیبی را انتخاب کرده اند.

ماهیان درباره انتخاب این سه زن به عنوان قربانی مهاجرت می گوید: کشورهای زبانی مانند سوریه یا کشورهای آفریقایی با فجایع جنگ و مهاجرت روبرو هستند ولی ما این سه زن را به عنوان سه نمونه از میان نمونه های بسیار، انتخاب کرده ایم که سرشناسان و حشمتاک است. کارگردان این کارگردان ایرانی داریم که مهاجر است و کارگردانی که در نمایشنامه به او سرزمین امن می گوئیم، سرزمین امن یک نماد است یعنی در کشور خود احساس خطر نمی کنی و می خواهی بگری به کشوری دیگر که برایت امن باشد. کارگردان مرد ما هم در نهاد، مهاجر است و در پایان ما دیدیم و صحبت این سه زن و بیچه، به یک درک متقابل می رسد. گویی خوردی که با این سه زن، در برایش همچون یک تری است و نه نهایت، خودش هم درگیر می شود. او با تاکید بر اینکه در این نمایش مسئله اصلی بیچه است، توضیح می دهد: موضوع اصلی نمایش ما آن بیچه است تا خود زن ها، بی آن نگاه دیگر فرضی نمی کند این زنان متعلق به چه کشوری باشند. آنچه برای ما مهم است، وضعیت بیچه است؛ بیچه ای دانشی که در کمپها نگهداری می شوند یا بیچه های افغانستان، کشوری که از دیرباز دچار این آسیب بوده و سالهاست که نفس آرامی کشیده است. از سوی دیگر زنان کرد ایزدی و خود عراق که این همه موردتألمع حاضر قرار گرفت، این زنان قربانیان و حشمتاکی هستند از تجاوز داعش و مطالعات فرانسوی که براساس گزارش و اجرای نمایش دانشجویی، منجر شدیم در زندگی زنان کرد ایزدی آن چنان مسائل تلخ

و دردناکی هست که برایشان مهم بود حتماً یکی از این سه زن، کرد ایزدی باشد. بعد از انتخاب زنان، نمه نمین، نویسنده کار، از مستندهایی که دیده و لمس کرده، برای نوشتن نمایشنامه الهام گرفت و بسیاری از دیالوگها هستند. فرار می کنند، فرار می کنند، قطعاً البته می شد سه بازیگر انتخاب کنیم ولی در این زنان یک موضوع مشترک وجود دارد، اینکه جانش خود را برداشته اند و فرار می کنند. نمی توانیم این مسئله مهم تحت تأثیر لجه و لباس بازیگر قرار بگیرد بنابراین این از این بیچه ها اضافه را حذف کردیم. لومی نداشت سه بازیگر داشته باشیم چون این سه زن، انگار یک زن هستند، مادر، مادر است. همه زنانی که در وضعیت مهاجرت و جنگ و تجاوز دچار آسیب می شوند، حرفش یکی است و دیگر چه تفاوتی دارد که در روم به درامتیک سه بازیگر انتخاب کنیم یا یکی از ما این درباره این موضوع که انسان امروز همه جنگها به دلیل این جنگها و به مرزهای نیستند، قدرت، محبتی به نام جنگ را به وجود می آورد و انسانها را به جان یکدیگر می اندازد و سیاستمداران که به خاطر یک متر زمین سیاستمداران که آدمها کشته شوند، حرف اصلی این نمایش است. همچنان که در آن گفته می شود، گروه زمین منجر و به هزاران سواره سرگردان بدون مرز تبدیل می شود.

آسده کوتانی که در دنیای پر از جنگ و آتش امروز به دنیا می آید، مسئله بزرگی است که بسیاری از مردم در سراسر جهان به آن می اندیشند و ماهیان درباره این بیچه جهان شمول کبیر می گوید: بیچه همه بیچه های جهان است. هیچ فرقی نمی کند این بیچه متعلق به کدام کشور باشد، بیچه ای که نتیجه تجاوز داعش هستند، چه گناه دارند؟ برای شکل گیری این کار، بسیاری فیلمها و مصاحبه های تلخ دیدیم و در تمام جلساتی که با گروه دانشجویی داشتیم و دیدیم در این شرایط، مسئله اصلی بیچه ها هستند یا بیچه ای که نتیجه تجاوز داعش هستند، چه باید کرد؟ این کارگردان در پاسخ به این پرسش که ممکن است به دلیل برخی از تلخی ها، اتفاقی را حذف کرده باشد؟ می گوید: بله اول به شدت معتمد موضوع آن قدر تلخ است که باید مراقب بود. مثل ادویه فلفله اگر طعمی را بیش از اندازه اضافه کنید، مزه اصلی غذا را از بین می برد و خوب نیست؛ بنابراین باید تعادلی وجود داشته باشد. مثلاً درباره لجه بازیگر، بیگ انتخاب این بود که با سه لجه مختلف صحبت کند ولی بعد فکر کردیم این موضوع چقدر مهم است؟ خود خلیم معتمدآری می گفت من که نمی خواهم تکنیک بازیگری ام را به رخ بکشم، ما باید به اصل ماجرا بپردازیم و رنگه گل نموز کرد را به این قسمت می بردیم که یکی بازیگر خوب می تواند به سه لجه صحبت کند ولی این اصلاً مهم نیست. جان ماجرا مهم است. پس آن میزان تازیدی جان ضروری نیست زیرا نباید بر حرف اصلی کار غالب شود چراکه تأثیرات نمایشی را تحت تألمع قرار می دهد. در غیر این صورت که نمایشگر می تواند فیلمهای مستند را ببیند و نیازی به دیدن تئاتر ندارد. او که نمایش خود را در مقطعی تریک اجرا می کند، درباره این موضوع هم می گوید: درست است که گاهی آدم فکر می کند

الان به ششاید نیاز داریم ولس از طرفی، نمی توانیم خود را گول بزنیم، ضمن اینکه نمایشگر به این شیوه، به تخیله ولس و نمایشگر می رسد. در این مدت، می بینم نمایشگر چگونه تحت تأثیر فرار می گیرد و بغض می کند و صدای گریه او در صحنه می شنود و بهیچگونگی اش را به هنگام ترک سالن می بیند ولی از طرفی می بینم که همان نمایشگر دوباره به دین کار می آید. گویی به این کار سراسر نیاز دارد چون می بیند که لنگار یک اثری مسئله او را عنوان می کند.

او در پاسخ به این پرسشی که در این وضعیت چه چشم اندازی می توانم برای تئاتر اجتماعی تصور داشته باشد؟ توضیح می دهد: می توانم برای تئاتر اجتماعی چه چشم انداز داشته باشم، اگر هنرمندان ما دچار سانسور فکر و ذهن نبودند چون در سیستم ما به ابست که پرداختن به مسائل اجتماعی را سانسورهای قلمداد می کنند، در حالی که واقعیتها باید گفته شود هنرمند می تواند چشمان خود را به مسائل اجتماعی در صحنه باز کند و با چشمان بازیگر، این مسائل را ببیند و بانداند این موضوعات در قالب اثر هنری، بخشی از آغاز آموزش را بر می کند و اتفاقاً فرهنگسازی می کند تا مردم ببینند چگونه باید با آسیبهای اجتماعی برخورد کنند. مدبران ما نباید فکر کنند هنرمندان سیاستمداری می کنند این از وظایف است که در حال حاضر میان مسائل اجتماعی در قالب آثار هنری سب می شود همه به خود بیخود و مردم هم حس نمی کنند کسی جان دشمنان را زنده و هنرمندان را خوار خود می بینند نه کسانی که به موضوع شخصی خود می پردازند و گویی در جهان دیگری زندگی می کنند. بنابراین مقاومت سیاسی کاران فرهنگی ما درباره پرداخت مسائل اجتماعی، نادرست است و اگر همکاران ما نخواهند، بیخواب تلخ دیدیم و در تمام جلساتی که با گروه دانشجویی داشتیم و دیدیم در این شرایط، مسئله اصلی بیچه ها هستند یا بیچه ای که نتیجه تجاوز داعش هستند، چه باید کرد؟ این کارگردان در پاسخ به این پرسش که ممکن است به دلیل برخی از تلخی ها، اتفاقی را حذف کرده باشد؟ می گوید: بله اول به شدت معتمد موضوع آن قدر تلخ است که باید مراقب بود. مثل ادویه فلفله اگر طعمی را بیش از اندازه اضافه کنید، مزه اصلی غذا را از بین می برد و خوب نیست؛ بنابراین باید تعادلی وجود داشته باشد. مثلاً درباره لجه بازیگر، بیگ انتخاب این بود که با سه لجه مختلف صحبت کند ولی بعد فکر کردیم این موضوع چقدر مهم است؟ خود خلیم معتمدآری می گفت من که نمی خواهم تکنیک بازیگری ام را به رخ بکشم، ما باید به اصل ماجرا بپردازیم و رنگه گل نموز کرد را به این قسمت می بردیم که یکی بازیگر خوب می تواند به سه لجه صحبت کند ولی این اصلاً مهم نیست. جان ماجرا مهم است. پس آن میزان تازیدی جان ضروری نیست زیرا نباید بر حرف اصلی کار غالب شود چراکه تأثیرات نمایشی را تحت تألمع قرار می دهد. در غیر این صورت که نمایشگر می تواند فیلمهای مستند را ببیند و نیازی به دیدن تئاتر ندارد. او که نمایش خود را در مقطعی تریک اجرا می کند، درباره این موضوع هم می گوید: درست است که گاهی آدم فکر می کند



دبیر بیست و چهارمین جشنواره
تئاتر ملی فتح خرمشهر خبر داد:

تغییر زمان برگزاری جشنواره تئاتر ملی فتح خرمشهر

جشنواره ملی فتح خرمشهر در خرداد ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد. دبیر بیست و چهارمین جشنواره تئاتر ملی فتح خرمشهر رضا مردانی با اعلام این خبر گفت: با توجه به گسترش بیماری امیکرون و لزوم توجه به سلامت اهالی فرهنگ و هنر، بیست و چهارمین جشنواره تئاتر ملی فتح خرمشهر که قرار بود در اسفند ماه جاری آغاز به کار نماید تا ۲۸ اردیبهشت ماه تا سوم خرداد ماه سال ۱۴۰۱ به تعویق افتاد.

وی افزود افزود: انشاءالله بتوانیم بیست و چهارمین جشنواره تئاتر ملی فتح خرمشهر را به دور از هرگونه بیماری و در فضایی صمیمی برای علاقمندان به فرهنگ و هنر برگزار نماییم.

